

بخش دوم

مقدمات تشکیل نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

- 0 مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها
- 0 گزارش دبیرکل و سخنرانی‌های شخصیت‌های حزب
- 0 مصوبات نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

فصل هفتم

مقالات، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های
در آستانه تشکیل نخستین کنگره حزب

اشاره:

بي شك نخستين كنگره حزب جمهوري اسلامي بعد از چهار سال فعاليت مستمر در كوران پرتلاطم انقلاب اسلامي، نقطه عطفی در حیات پر برکت آن محسوب می‌شد. آن چه در این فصل از نظر خوانندگان می‌گذرد شمه‌ای از نظرات صاحب نظران و متولیان حزب جمهوري اسلامي در آن زمان است.

در محضر امام عاشقان

نخستین کنگره حزب جمهوري اسلامي در اردیبهشت ماه سال 1362 در تهران تشکیل شد. اعضای این کنگره در بیست و یکم اردیبهشت 62 که مقارن با سالروز بعثت رسول گرامی‌آمدسلام صلي الله عليه و آله و سلم بود برای عرض تبریک و استماع رهنمودهای حضرت امام خميني «رحمه‌الله» به حضور ایشان رسیدند. در این دیدار نخست حضرت آیت الله خامنه‌ای رئیس جمهور و دبیرکل حزب سخنانی به این شرح ایراد فرمودند:

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض تبریک حضار این مجلس و همه ملت ایران را به حضور رهبر و امام عزیز و بزرگوار و قلب تپنده امت مبارز ایران تقدیم می‌کنم.

حضار این مجلس: مسوولان کشور، برادران جامعه روحانیت مبارز، جمع کثیری از کنگره حزب جمهوري اسلامي و همه کسانی که در همه حالات خدمت، یاد و خاطره آن رهبر و امام بزرگوار در رگ آنها خون می‌دواند و در وجود آنها ایجاد حرارت و انگیزه و نشاط می‌کند. امروز، روز بعثت عظیم پیامبر اسلام صلي الله عليه و آله و سلم است. خداوند متعال رسول بزرگوار را در مثل امروزی برانگیخت تا بشریت و تاریخ را تحت تاثیر قراردهد و متحول کند بعثت پیامبر اکرم صلي الله عليه و آله و سلم انسانها را در آن زمان به نوبه خود مبعوث و برانگیخته کرد و تحت تاثیر وجود نبی اکرم و تعالیم الهی رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم مردم از خواب گران بیدار شدند.

البته طبیعی است که در مقابل حرکت انسانها در مقابل حرکت تاریخ دشمنان بشر آرام نمی‌مانند و آرام نمانده‌اند.

اسلام در طول قرنهای متمادی زیر فشار قدرتهای زورمندان و زرمندان به مشکلات زیادی دچار شد و مسلمین ضعف و ذلت و سستی را که اسلام از آنها گرفته بود مجدداً به آن دچار شدند. امروز مجدداً چراغ بعثت الهی و اسلام رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم در میان ایران برافروخته شده است. همت شما امام عزیز و بزرگوار و مجاهدت و فداکاری این مردم موجب شده است که ما بار دیگر خاطره بعثت پیامبر را در میان مردمان به صورت عینی و محقق شده احساس کنیم. دریچه‌ای به روی عالم اسلام باز شده است. امروز هم قدرتمندان، زورمندان عالم در مقابل بیداری دوباره مسلمانان صف آرایی کرده‌اند. ملت ایران پشت سر شما و منتظر اشاره شماست تا همه نیرو و توان خود را به کار ببرد و از این هدیه الهی یعنی اسلامي که مجدداً ما به آن دست یافتیم حفاظت و حراست و نگهداری کند.

امیدواریم این روز سعید و مبارک بر شما و بر همه ملت ایران مبارک باشد و منتظریم که در این روز بزرگ رهنمودها و تعالیم و نصایح شما را بشنویم و ان شاء الله به آنها عمل کنیم.

امام امت که کلام مبارکشان پیوسته و از سالهای دور قبل از انقلاب اسلامي راه گشای رزمندگان و مبارزان طریق عدالت اسلامي بوده است، آغاز به سخن کردند و اینک بیانات امام عاشقان⁽¹⁾:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

مقابلا من عيد سعيد مبعث را به شما آقایان و ملت شریف ایران و جمیع مسلمین بلکه جمیع مستضعفان جهان تبریک عرض می‌کنم. مسئله مبعث و ماهیت آن و برکات آن چیزی نیست که بتوان با زبانهای الکن ما از آن ذکر کرد و به قدری ابعاد آن زیاد است و جهات معنوی و مادی او زیاد است که گمان ندارم بتوان حول و بر او هم صحبت کرد. مسئله بعثت یک تحول علمی، عرفانی در عالم ایجاد کرد که آن فلسفه‌های خشک یونانی را که به دست یونانی‌ها تحقق پیدا کرده بود و ارزش‌ها داشت و دارد لکن مبدل کرد به یک عرفان عینی و یک شهود واقعی برای ارباب شهود. قرآن در این بعدش برای کسی تاکنون منکشف نشده است مگر «من خوط به» و در بعضی ابعادش حتی برای من خوط به منکشف نشده است. فقط برای ذات ذوالجلال جلت عظمت. اگر کسی سیر کند در فلسفه‌های قبل از اسلام و فلسفه‌های بعد از اسلام و خصوصا قرنهای آخر و عرفای قبل از اسلام و آن کسانی که در هندوستان و امثال آن یک همچو مسائلی داشتند با عرفای بعد از اسلام که به تعلیم اسلام در این امر وارد شده‌اند می‌فهمد که چه تحولی در این بعد حاصل شده است. در صورتی که عرفای بزرگ اسلام هم راجل هستند در کشف حقایق قرآن. لسان قرآن که از برکات بعثت است از برکات بزرگ بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است لسانی است که سهل و ممتنع است. بسیاری شاید گمان کنند که قرآن را می‌توانند بفهمند از باب اینکه به نظرشان سهل است. بسیاری از ارباب معرفت و ارباب فلسفه گمان می‌کنند قرآن را می‌توانند بفهمند برای اینکه آن بعدی که برای آنها جلوه کرده است و آن بعدی که در پس این ابعاد است برای آنها معلوم نشده است. قرآن دارای ابعادی است که تا رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مبعوث نشده بودند و قرآن منتزل نشده بود از آن مقام غیب، نازل نشده بود از آنجا، و آن جلوه نزولیش در قلب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم جلوه نکرده بود، برای احادی از موجودات ملک و ملکوت ظاهر نبوده بعد از آنکه اتصال پیدا کرد مقام مقدس نبوی ولی اعظم با مبدا فیض به آن اندازه‌ای که قابل اتصال بود قرآن را نازل و منزلت کسب کرده در قلب مبارکش جلوه کرده و با نزول به مراتب هفت گانه به زبان مبارکش جاری شد. قرآنی که الان در دست ماست نازله هفتم قرآن است و این از برکات بعثت است و همچنین نازله هفتم آنچنان تحولی در عرفان اسلامی در عرفان جهانی به وجود آورد که اهل معرفت شمه‌ای از آن را می‌دانند و بشر از همه ابعاد او، یعنی جمیع ابعاد او، برای بشر باز معلوم نشده است و معلوم نیست معلوم شود. آیاتی در قرآن کریم که باز از برکات بعثت مشاهده می‌شود که این آیات را درعین حالی که انسان گمان می‌کند که خوب ظاهر است لکن تاکنون کشف نشده است

«هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن»⁽²⁾، «و هو معکم»⁽³⁾، «الله نور السموات و الارض»⁽⁴⁾ اینها آیاتی است که نه مفسر می‌تواند بفهمد نه فیلسوف و نه عارف، هر کس ادعا کند که معنی او را فهمیده است در جهل فرو رفته است. قرآن را «انما يعرف القرآن من خوط به» به وسیله «من خوط به» به یک عده معدودی از اولیا خدا و ائمه معصومین علیهم السلام تحویل داده شده است و به وسیله آنها یک حدودی که قابل فهم است برای بشر تفسیر شده است لکن آنکه لطیفه وحی است همان آیه شریفه «الله نور السموات و الارض» وقتی دست مفسر افتاده است «الله منور السموات و الارض» معنا کرده است که هیچ مربوط به قرآن نیست. مفسرین در عین حالی که زحمتهای زیاد کشیده‌اند لکن دستشان از لطائف قرآن کوتاه است نه از باب آنکه آنها تقصیری کرده‌اند، از باب اینکه عظمت قرآن بیشتر از این مسائل است مسئله معرفت الله که در قرآن مطرح است، آنکه «خوط به» می‌فرماید که به حسب نقل «ما عرفناك حق معرفتك» البته معنایش این است که آنطوری که معرفت تو حقش است ما نشناختیم نه «ما عرفناك حق معرفتي اياك» او آنقدری که حق معرفت بشر است شناخته است اما حفظ معرفت بشر غیر از آن چیزی است که حق معرفت الله است. حق معرفت الله و حق عبادت الله را حتی به حسب این روایت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که بزرگترین عارف و بزرگترین عابد است می‌فرماید که «ما عرفناك» و عبدناك اما نمی‌فرماید که ما عرفناك حق معرفتي اياك و عبدناك حق عبادتي اياك برای اینکه آن را ادا کرده اما آن خط انسانی و جلوه ظاهری است و از برای معرفت خدا چیزی است که نه ملک مقرب می‌تواند او معرفت را پیدا کند و نه رسول مرسل و این از برکات بعثت است این قدری که معرفت برای اهل معرفت حاصل شده است این از نازله کتاب خداست که به وسیله نزول بر قلب رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم که آنهم از اسرار بزرگ است. کیفیت وحی از اموری است که غیر از خود رسول خدا و کسانی که در خلوت با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بودند یا اینکه از او الهام گرفته‌اند کیفیت نزول وحی را کسی

نمی‌تواند بفهمد و لهذا هر وقت خواستند معرفی هم بکنند با زبان ما عامی‌ها معرفی کردند چنانچه خدای تبارک و تعالی با زبان آن بشرعامی‌خودش را با شتر معرفی می‌کند، با آسمان معرفی می‌کند، با زمین معرفی می‌کند، با خلق و امثال اینها و این برای این است که بیان قاصر است از اینکه آن مطلبی که هست ادا بشود و تا آن حدی که بیان می‌توانسته ادا کند قرآن ادا کرده است و هیچ کتاب معرفتی ادا نکرده است آنهایی که ادا کردند به تبع قرآن ادا کردند اگر قرآن نبود باب معرفت الله بسته بود الی الابد و آن فلسفه یونانی يك باب دیگری است که در محل خودش بسیار ارجمند است برای اینکه با استدلال اثبات می‌کند نه معرفت حاصل می‌شود با دلیل اثبات می‌شود وجود خدای تبارک و تعالی معرفت غیر اثبات وجود دارد.

حالا قرآن آمده است که هم اثبات بکند به همان طریقه‌های متعارف و طریقه‌های بلکه گاهی نازلتر از او و هم پرده دیگرش عرفان قرآن است که او را همین مقدارش هم که در قرآن است در هیچ کتابی نمی‌یابید حتی در کتب عرفانی اسلامی که متحول شده است و با عرفان قبل از اسلام بسیار فرق دارد باز تعبیرات قرآن غیر آنست که آنها دارند. يك نحو دیگری است يك لطایف دیگری در قرآن هست.

حالا اینها همه از برکات بعثت است و برکات بعثت آن مقداری که در معنویات هست آن قدر در مادیات ظاهر نشده است لکن آن مقداری هم که در مادیات ظاهر شده است باز قبل از اسلام نبوده است اتصال معنا به معنویت و مادیت و انعکاس معنویت در همه جهان مادیت از خصوصیات قرآن است که افاضه فرموده است. قرآن در عین حالی که يك کتاب معنوی عرفانی است و آن طوری است که به دست ماها، به خیال ماها، به خیال جبرئیل امین هم نمی‌رسد در عین حال يك کتابی است که تهذیب اخلاق را می‌کند، استدلال هم می‌کند حکومت هم می‌کند و وحدت را هم سفارش می‌کند، و قتال را هم سفارش می‌کند، و این از خصوصیات کتاب آسمانی ماست که هم باب معرفت را باز کرده است تا حدودی که در حد انسان است و هم باب مادیات، اتصال مادیات به معنویات را و هم باب حکومت را و هم باب خلافت را و همه چیز را و ما که امید است از پیروان اسلام باشیم و از پیروان قرآن باشیم، باید همه ابعاد این را در نظر داشته باشیم نه در نظر داشته باشیم بلکه دنبالش باشیم تا حاصل بشود برای ما، مجاهده کنیم تا حاصل بشود برای ما و اگر چنانچه ما با همان بعد ظاهری قرآن به همان بعدی که قرآن برای اداره امور بشر آمده است برای رفع ظلم از بین بشر آمده است یعنی يك بعدش این است که ظلم را از بین بشر بردارد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند ما اگر کوشش کنیم و آنهایی که تابع قرآن خودشان را می‌دانند مسلمین جهان اگر کوشش کنند تا اینکه يك بعد از قرآن را که بعد اجرای عدالت اسلامی است در جهان پخش کنند آن وقت يك دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود و ما ملت ایران که نهضت کردیم و دست ظلم را کوتاه کردیم باید دنبال این مطلب باشیم و تا آنجایی که دست ظالمان را به کلی از کشور خودمان کوتاه کنیم و با هدایت این نور سایر کشورهای اسلامی و سایر مستضعفان جهان بیدار بشوند و خودشان را از تحت سلطه قدرتهای بزرگ خارج کنند (ان شاء الله) و آن چیزی که ما در روز مبعث باید توجه به آن بکنیم این است که بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم برای این است که راه رفع ظلم را به مردم بفهماند، راه اینکه مردم بتوانند با قدرتهای بزرگ مقابله کنند را به مردم بفهماند. بعثت برای این است که اخلاق مردم را، نفوس مردم را، ارواح مردم را و اجسام مردم را تمام اینها را از ظلمتها نجات بدهد. ظلمات را به کلی کنار بزند و به جای آن نور بنشانند. ظلمت جهل را کنار بزند و به جای آن نور علم بیاورد، ظلمت ظلم را به کنار بزند و به جای آن عدالت بگذارد، نور عدالت را به جای آن بگذارد و راه او را به ما فهمانده است. فهمانده است که تمام مردم، تمام مسلمین برادر هستند و باید با هم وحدت داشته باشند. تفرق نداشته باشند. برادران، ما امروز گرفتار تمام قدرتهای شیطانی بشر هستیم ما باید توجه کنیم به اینکه تکلیف الهی ما در امروز که همه به ما حمله کرده‌اند چه هست.

تمام اقشار ملت از آنهایی که در سطح کشور کارفرما هستند و دست اندرکاران دولتی هستند آنهایی که قوه قضایی به آنها محول است آنهایی که کارهای دیگر سرشان محول است آنهایی که پاسداری از مرزها برشان محول است مثل ارتش و غیره، آنهایی که همه چیز برشان محول است و سایر قشرهای ملت موظفند که اسلام را حفظ کنند مکلفند به اینکه جمهوری اسلامی را حفظ کنند و این تکلیف، تکلیفی است که از بزرگترین تکالیفی است که به اسلام دارد و آن حاصل نمی‌شود الا با تفاهم الا با اینکه همه ملت با هم برادر باشند مومنین اخوه هستند. اگر این قوه و قدرت ایمانی در سرتاسر کشور ما محفوظ بماند و هر کسی برخودش توجه به خود نداشته باشد به مقصد داشته باشد و خودش را برای مقصد بخواهد هیچ کس نمی‌تواند به این کشور تصدی کند و اگر خدای نخواست در بین آقایان در بین مردم در بین دولتیان در بین مجلسیان در بین اقشار ملت، کارگرها، کارفرماها و کشاورزان همه، اگر چنانچه این اخوت ایمانی سست بشود آن روز است که رخنه

می‌کنند در بین شما شیاطین و شما را به جان هم می‌ریزند استفاده‌اش را قدرتهای بزرگ می‌کنند. آنها قدرتهای بزرگ نشسته‌اند آنجا که با ایادی خودشان در این کشور راههایی درست کنند که خود اهالی این کشور برای آنها جاده را صاف کنند، آنها مستقیماً سراغ شما نمی‌آیند آنها با این راهها، با قلم‌های فاسد با فکرهای فاسد که در خدمت می‌گیرند به سراغ شما می‌آیند و با شایعه پراکنی‌ها و دروغ‌پردازی‌های در بین شماها هر کس دیگری بدبین بشوند آن روز است که رخنه کرده‌اند آنها و استفاده خواهند کرد و همه مسوول هستیم، از من طلبه تا مراجع اسلام تا علمای بلاد اسلامی تا دست اندرکاران، مجلس، رئیس جمهور، ارتشی‌ها، پاسدارها و همه قشرهای ملت در مقابل خدا مسوولند و همه یک روز در پیشگاه خدا خواهیم رفت و از ما سؤال خواهد شد، نعمت را از ما سؤال می‌کنند و آن نعمت اسلام است. ما مسوول هستیم ما باید پا روی غرضهای شخصی خودمان بگذاریم برای خدا و برای مقصد ما، همه باید برای خدا باشیم چون از او هستیم و هرچه داریم از اوست، قدرت هرچه هست از اوست، نعمت هر چه هست از اوست و او نور السماوات والارض است و ما موظف هستیم از طرف او و از طرف عقل خودمان و وجدان خودمان که به آن کسی که ولی همه چیز ما هست خدمت بکنیم و آمال و آرزوی ما این باشد که دین او را تقویت بکنیم و اسلام را در بین بشر پیاده کنیم (ان شاء الله حصار). و این نمی‌شود الا به وحدت کلمه شما و دست برداشتن از اختلافات اگر خدای نخواست باشد و ان شاء الله نباشد (ان شاء الله حصار). و من امیدوارم که با وحدت کلمه و با اخوت ایمانی محکم بایستیم و بایستید و این کشور را از حوادث دهر حفظ کنیم. خداوند ان شاء الله به همه ما سعادت دریافت معنویات مبعث پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را عنایت فرماید (الهی آمین حصار). خداوند تعالی از نور معرفت خودش که به وسیله قرآن القا شده است به ما بهره ای عنایت فرماید (الهی آمین حصار) و خداوند تعالی وحدت اسلامی این ملت را حفظ فرماید و دولتهای اسلامی را بیدار کند و ملتهای اسلام را به هم پیوند دهد (الهی آمین حصار).

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

پدیده ای نادر در تاریخ جهان اسلام

به قلم حضرت آیت الله خامنه‌ای دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی

نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی یک مقطع مهم و تعیین کننده در تاریخ این حزب و آینه تلاش مخلصانه و مستمر عناصر ارزشمندی است که اینک بعضی از آنان با سرافرازی به لقاالله شتافته‌اند.

برادران و خواهران ما در حزب، اینک خود را برای تشکیل مجمع بزرگی آماده می‌سازند که می‌تواند نقشبند ادامه حرکت سامان و سازمان یافته عظیمی باشد که از گذشته آن خاطره‌هایی شکوهمند و فراموش ناشدنی در حافظه این انقلاب برجا است. کنگره حزب مجسم کننده ریشه مردمی‌آین حزب و ارتباط مستحکم آن با اعماق جامعه است. چنین پیوندی در حقیقت تضمین سلامت رفتار و صداقت شعارهای این حزب و هر تشکیلات مردمی به شمار می‌آید.

تصویر روشن و دلنشین چنین کنگره‌ای از آغاز در برابر چشم موسسان وجود داشت. این تصویر بیشتر از این جهت شیرین و مطلوب بود که مجمع بزرگی از آحاد امت را نشان می‌داد که طرح اساسی ترین خطوط یک شکل اسلامی و انقلابی را ترسیم می‌کرد. فکر می‌کردیم که با رسیدن داوطلبان عضویت به سیصد و سیزده نفر این کنگره را تشکیل خواهیم داد. حتی پس از استقبال نامنتظر مردم و دشوار شدن آماده سازی مقدمات مجمعی چنین بزرگ نیز اندیشه تشکیل این مجمع هرگز از ذهن و ذکر دست اندرکاران بیرون نرفت و پیش از آنکه حزب جمهوری اسلامی و همه امت به سوگ آن هفتاد و دوتن بنشینند سید شهیدان انقلاب و یارانش خود را برای ترتیب اساس کنگره بزرگ حزب آماده می‌ساختند.

اینک پس از دو سه بار عزم ناموفق، حزب جمهوری اسلامی در آستانه نخستین کنگره بزرگ خود قرار گرفته است. این کنگره ترکیبی از برگزیدگان حوزه‌های حزبی در سراسر کشور و نیز شخصیتهای

برجسته و فعال انقلاب و حزب است، این مجمع با ترکیب بدیعی که از پدیده‌های نادر جهان اسلام و تاریخ اسلام به حساب می‌آید، موظف است که بالاترین ارگان حزب جمهوری اسلامی را تعیین و اساسنامه جدید را تدوین کند. یعنی حرکت جدید و سریع و سنجیده و خوش عاقبت این تشکل مردمی و اسلامی را در نظام جمهوری اسلامی پایه‌ریزی کند. در شرایط کنونی انقلاب این یکی از بنیانی‌ترین تلاش‌هایی است که در خدمت انقلاب و هدف‌هایش می‌توان تصور کرد. ما به حزب با این نگاه می‌نگریم:

یک تشکیلات مردمی، یک پیوند مستحکم میان آحاد ملت، یک رابطه‌ی فکری و آموزشی و یک هدایت همه جانبه برنامه ریزی شده و عمیق در میان توده‌های مردم، همان چیزی است که مراد و مقصد ما از تشکیل حزب جمهوری اسلامی است. هدایت حزبی همان هدایت اسلامی و هدایت سیاسی بر مبنای ارزش‌های انقلاب اسلامی است که با دقت و نظم و پی‌گیری انجام می‌یابد. از آغاز، دو گروه با این هدایت به مقابله برخاستند: دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، دشمنانی که نقش چنین تشکلی را درک می‌کردند و دوستانی که این نقش را درک نمی‌کردند، حزب با این هر دو گروه برخوردی مناسب کرد. دشمنان را افشا کرد و دوستان را تا آنجا که توانست به حقیقت امر آشنا ساخت. بی شک نمی‌توان ادعا کرد که آن مخالفت‌ها پایان یافتند و به همین دلیل آگاه‌سازی هنوز برای حزب یک وظیفه بزرگ و اساسی است. نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی باید با نحوه تشکیل و نحوه عمل خود به این آگاه‌سازی کمک کند.

این کنگره باید هم صداقت و سلامت حزب را و هم جدیت و عزم راسخ آن را در جهت اهداف اساسی انقلاب اسلامی به اثبات رساند. نخستین کنگره باید جهشی به سمت آن هدف‌هایی باشد که شهیدان انقلاب و شهیدان حزب همواره در آرزوی آن تلاش کردند و در راه آن به شهادت رسیدند، حزب جمهوری اسلامی با تدوین اساسنامه جدید و تعیین شورای مرکزی جدید باید نفس تازه کند و حرکت سختی را که از آغاز شروع کرده است شتاب و نظم لازم ببخشد. از سویی دیگر این کنگره باید مظهر خلوص و اخلاص حزب باشد. انتخاب بزرگی که در این کنگره انجام می‌گیرد باید بر مبنای ارزش‌هایی باشد که ظهور و ادامه انقلاب ما بدانها متکی بوده است. یعنی کسانی به رهبری حزب برگزیده شوند که از ایمان، اخلاص، انقلابی‌گری، کارآیی و اندیشمندی برخوردار باشند.

این ارزش‌ها در نخستین نشست‌هایی که به مقدمات تشکیل حزب انجامید از سوی پایه‌گذاران این تشکل و به ویژه شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی مطرح شد و همواره باید در مد نظر باشد. شرکت کنندگان در کنگره حزب جمهوری اسلامی در معرض آزمایش بزرگی قرار دارند. امید و انتظار ما آن است که این آزمایش با موفقیت به انجام رسد و این گام موفق گام‌های دیگری را در پی داشته باشد.

پیشرفت انقلاب اسلامی هدف حزب جمهوری اسلامی

بخشی از مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی حضرت آیت الله خامنه‌ای دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

درباره هدف از تشکیل کنگره باید بگویم که تشکیل کنگره یک مقطع طبیعی برای روند حزب محسوب می‌شود، کنگره به معنای ارتباط کادرهای تصمیم‌گیرنده با افراد و اعضای حزب است؛ در حقیقت کنگره به معنای ریشه‌دار شدن و ریشه‌دار بودن حزب و نفوذ در اعماق جامعه است. حزب اگر به معنای واقعی یک حزب باشد، یعنی در اعماق جامعه، افرادی، علاقمندانی، اعضای داشته باشد ناچار است که نظر آنها را مهمترین مساله حزب بداند و تصمیم‌گیری را به آنها واگذار کند و این مساله در کنگره عملی خواهد شد. بنابراین برای اینکه هدف از تشکیل کنگره را بیان کرده باشم باید بگویم که کنگره در حقیقت بخشی از حیات حزب و وسیله‌ای برای تداوم حزب محسوب می‌شود. دبیرکل حزب جمهوری اسلامی پیرامون چگونگی کیفیت تشکیل اولین کنگره حزب جمهوری اسلامی‌آمدضاافه کردند:

اولین کنگره از افراد منتخب کلیه حوزه‌های حزب در سراسر کشور تشکیل می‌شود. ما انتخاباتی

در حوزه‌های حزبی برگزار کرده‌ایم و هر حوزه حزبی نماینده‌ای انتخاب کرده و با انتخاباتی که پی در پی انجام گرفت و در همه جای کشور و در همه رده‌های حزبی انجام شد، طبعا تعدادی از اعضا برای شرکت در کنگره انتخاب شدند.

در کنار این مساله از بعضی از افراد موثر حزب و شخصیت‌های حزبی و چهره‌های معروفی که عضو حزب هستند نیز دعوت به عمل آورده‌ایم که در کنگره شرکت کنند، علاوه بر این کنگره تعدادی ناظر و میهمان هم دارد.

دبیر کل حزب جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که آیا در کنگره حزب جمهوری اسلامی که قرار است به زودی تشکیل شود، فقط اعضای شورای مرکزی حزب انتخاب خواهند شد یا روی مواضع جدید حزب نیز بحث خواهد شد، افزودند:

یکی از کارهای کنگره حزب جمهوری اسلامی تعیین اعضای شورای مرکزی است. همان طوری که شاید مطلع باشید اعضای اولین شورای مرکزی به وسیله پنج نفر مؤسس حزب⁽⁵⁾ انتخاب شدند و بعد از آن که بعضی از آن برادران به شهادت رسیدند و افراد کمتر شدند، بقیه به وسیله خود شورای مرکزی تعیین و برگزیده شدند و حالا ان شاء الله کلیه اعضای شورای مرکزی با انتخاب اعضای حزب یعنی کنگره حزب که برگزیدگان اعضا هستند، انتخاب خواهند شد، این مساله یکی از کارهایی است که کنگره بر عهده دارد، علاوه بر این کنگره اساسنامه و مرامنامه را تصویب خواهد کرد و همچنین شورای داور را که یکی از بالاترین رده‌های حزبی است انتخاب می‌کند، و همچنین درباره مواضع بحث و گفتگویی به عمل خواهد آمد و نسبت به مواضع حزب نیز اگر نظری باشد، در آنجا ارائه خواهد شد.

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی پیرامون ایجاد تغییر در سازماندهی و تشکیلات حزب جمهوری اسلامی فرمودند:

در شکل کلی سازماندهی حزب تغییری ایجاد نخواهد شد، لکن در اساسنامه پیشنهادی اصلاحاتی شده که به کنگره تقدیم می‌شود تا در آنجا مورد نظر و در نهایت تصویب شود، تغییراتی جزئی در سازماندهی پیش‌بینی شده است، بنابراین اگر همان اساسنامه تصویب بشود در کل استخوانبندی سازماندهی حزب تغییری به وجود نخواهد آمد، لیکن در برخی از جزئیات چرا، اما کنگره برای ما کاملا قابل پیش‌بینی نیست، ممکن است در کنگره نظر دیگری وجود داشته باشد که آن نظر به يك چنین تغییری بیانجامد و ما این را احتمال می‌دهیم لکن در اساسنامه پیشنهادی به کنگره چنین چیزی وجود ندارد.

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در پاسخ به این سؤال که وضعیت حزب جمهوری اسلامی بعد از کنگره چگونه خواهد بود و تشکیل کنگره چه تحولاتی را به وجود خواهد آورد، اظهار داشتند:

همانطوری که قبلا گفتیم کنگره برای حزب يك مقطع طبیعی است لکن این کنگره به خاطر اینکه در فاصله زیادی با آغاز ولادت حزب تشکیل می‌شود و به خاطر اینکه چندین بار قرار بود تشکیل شود و به دلایلی تشکیل نشد و بدلائلی انجام نشده و به تاخیر افتاد و همه برادران حزبی منتظر هستند که کنگره تشکیل شود و امیدهایی به کنگره بسته‌اند فکر می‌کنیم کنگره يك نفس جدیدی به حزب خواهد داد. با شورای مرکزی که منتخب اعضای کنگره هستند، حزب می‌تواند فعالیت بهتر و بیشتر و همه جانبه‌تری را در زمینه اهداف خودش شروع نماید و ان شاء الله در زمینه‌های معنوی که همان هدفهای اصلی حزب به شمار می‌رود پیشرفتهایی را به دست می‌آوردیم.

در شورای مرکزی جدید سعی ما براین است که اعضای شورا کسانی باشند که بتوانند برای کارها و فعالیت‌های حزبی سرمایه‌گذاری وقتی بیشتری کرده و فکر می‌کنیم ان شاء الله کنگره زمینه و مقدمه‌ای خواهد بود برای تلاش روز افزون حزب جمهوری اسلامی.

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی آنگاه در پاسخ به این سؤال که به عنوان دبیرکل حزب جمهوری اسلامی عملکرد و نقش حزب در روند انقلاب را چگونه ارزیابی می‌کنید و از نخستین کنگره آن چه انتظاراتی دارید؟ فرمودند:

ارزیابی ما در مورد حزب، ارزیابی در مورد مجموعه افرادی است که خودشان را وابسته به انقلاب می‌دانند و برای انقلاب بیشترین و بالاترین نقش را همواره قائل بوده‌اند و تلاش خودشان را در این راه انجام داده‌اند. طبعا يك چنین ارزیابی به هرحال مثبت است ما نه فقط در مورد حزب در مورد همه نیروهایی که در خدمت انقلاب از آغاز انقلاب تاکنون قرار داشته‌اند يك چنین ارزیابی مثبتی داریم، طبیعی است که در آغاز تشکیل يك نظم جدید در جامعه و شالوده ریزی يك نظام نوین آن هم بعد از این همه ویرانی که در طول سالهای دراز قبل از این وجود داشته نمی‌توان انتظار داشت که همه کارها به سهولت انجام پذیرد، و همه هدفها به زودی به دست آید و پی کامیابی‌های اجتماعی حاصل شود. لکن باید انتظار داشت که همه تلاش کنند و تمام تلاش و فعالیت خودشان را

در خدمت انقلاب قرار بدهند و در این راه متمرکز کنند و این کار در حزب انجام گرفته. حزب از اول ولادت خود تا به امروز تلاشش را در خدمت هدفهای انقلاب قرار داده است، چه در ماههای اول پیروزی انقلاب که کلیه کارهای تبلیغاتی و حرکات امور اجتماعی با دست اندرکاری حزب انجام می‌گرفت و راهپیمایی‌ها و اجتماعات و برگزاری مراسم از مراسم نماز جمعه تا همه مراسم‌های دیگری که انجام می‌گرفت و انتشار پوسترها و اطلاعیه‌های گوناگون مربوط به مسائل عمومی. همه از حزب دوران انتخابات مجلس شورای اسلامی که علی‌رغم شانتاژی که علیه آن و مسوولان آن وجود داشت، چشم به بهترین افراد و عناصر برای کاندیدایی در مجلس شورای اسلامی دوخته بود و اهمیت به این مساله نمی‌داد که برای آمدن به مجلس شورای اسلامی فلانی حزبی باشد یا نباشد بلکه اهمیت به این مساله می‌داد که مومن، کارآمد و مورد اعتماد مردم باشد، و چه در آن دورانی که بر اثر مسائل مربوط به ریاست جمهوری در زیر شدیدترین ضربات تبلیغاتی و تهاجم سیاسی چه از داخل و چه از خارج قرار می‌گرفت و چه در دورانهایی بعد که افراد و مسوولان حزبی در میدانهای مختلف اجتماعی و سیاسی و نظامی به فعالیتهای خودشان مشغول بودند تا امروز همواره حزب به عنوان این مجموعه مقصدی و هدفی جز پیشرفت انقلاب و نزدیک شدن به اهداف انقلاب نداشته است. ما قضاوت‌مان درباره موقعیت حزب با این دید و از این نگاه است. هرچه ملت ایران موفق شدند، هرچه انقلاب موفق شد حزب هم به همان اندازه موفق بوده است. ما برای حزب جمهوری اسلامی موفقیتی جدایی از موفقیت انقلاب و ملت ایران قائل نبوده‌ایم و نیستیم. می‌توان با این نگاه گفت بلی حزب جمهوری اسلامی از آغاز تا به امروز موفق بوده است. ما به فضل الهی توانستیم مجلس خبرگان خیلی خوبی ترتیب بدهیم در آغاز کار در سال 58 که قانون اساسی مستحکم و متین‌مان را برایمان به وجود آورد، توانستیم مجلس شورای اسلامی خط امامی را تشکیل بدهیم که با همه فشارهای بنی‌صدر و عمالش بالاخره بر جریانهای ضداسلامی و ضدانقلابی فائق آمده و امروز هم با کمال قدرت بحمدالله مجلس شورای اسلامی در حرکت است و علی‌رغم مشکلات و فشارهایی که بر روی دوش ما بود همه اعضای حزب از شهید مظلوم عزیزمان آیت الله بهشتی تا افراد گوناگونی که مسوولان اینجا و آنجا حزب بودند، توانستند به وظائف انقلابی خود عمل کنند و ادامه بدهند و نصرت الهی هم همواره با ما همراه بود. لذا با این دید که نگاه می‌کنیم ارزیابی ما از فعالیت و تلاش حزب از آغاز تا به امروز یک ارزیابی مثبت است و در مورد اینکه از کنگره چه انتظاراتی داریم ما بزرگترین انتظارمان از کنگره این است که بتواند ما را در ادامه این روند یاری کند. اگر این کنگره که در حقیقت مجموعه‌ای از حزب و تبلوری از کلیه خواسته‌ها، آرمان‌ها، احساس‌ها، انگیزه‌ها در درون حزب است بتواند ما را در این راهی که به آن اشاره کردم و از آغاز تا به امروز پیموده‌ایم مدد برساند، یک کنگره بسیار موفق‌تری برای ما ان شاء الله به حساب خواهد آمد.

آنگاه دبیرکل حزب جمهوری اسلامی پیرامون این مساله که آیا پس از شهادت شهید مظلوم آیت الله بهشتی تغییراتی در خط مشی کلی حزب جمهوری اسلامی پدید آمده یا خیر افزودند: نخیر، ما حرکت اساسی و اصولیمان از زمان شهید بهشتی تا امروز هیچ گونه تغییری پیدا نکرده است و موجبی هم برای این تغییر وجود نداشته و ندارد.

همان طوری که مطلع هستید مواضع ما امروز در دسترس و در اختیار همه برادران و خواهران حزبی است و همه آن را می‌خوانند و فرا می‌گیرند و برادرمان جناب آقای هاشمی رفسنجانی آن را تدریس می‌کنند و در معرض اطلاع و فراگیری همه آحاد ملت قرار دارد. این مساله در زمان شهید بهشتی و با کمک موثر ایشان تنظیم و به رشته تحریر درآمد و آن روز مواضع ما همین بود و امروز هم همان است و امیدواریم که بتوانیم این را تکمیل هم بکنیم و هیچ گونه تغییری نیز در خط مشی اصولی ما از آن زمان تا به امروز به وجود نیامده است.

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در مورد فراز و نشیب‌هایی که حزب جمهوری اسلامی در طول پنج‌ساله پس از پیروزی انقلاب اسلامی داشته است چنین پاسخ گفتند:

فراز و نشیب‌های حزب جمهوری اسلامی در حقیقت نسبت به عمر کوتاهش خیلی فراوان است. ما این حزب را در غربت آغاز کردیم و این حزب در غربت متولد شد. قبل از پیروزی انقلاب این حزب پایه‌گذاری شد. و آن هنگامی بود که ما انتظار آن را داشتیم که پس از اعلام رسمی حزب همه ما بازداشت شویم و در فکر بودیم که کسانی را به جای خودمان معین کنیم که هنگامی که ما بازداشت شدیم آنها باشند و حزب را به صورت مخفیانه ادامه بدهند. آن زمان ولادت حزب بود! با پیروزی انقلاب اسلامی استقبال عمومی و وسیع مردمان به حزب شروع شد. چیزی که ما به این حد انتظار آن را نداشتیم! شاید همه بدانند یا بعضی بدانند که ما در اساسنامه حزبمان زمان تشکیل کنگره را آن وقتی معین کرده‌ایم که افراد حزب ما به سیصد نفر برسند. فکر می‌کردیم هنگامی که

سیصد نفر عضو پیدا کنیم کنگره را تشکیل خواهیم داد و به هیچ وجه انتظار نام نویسی نزدیک به ده هزار نفر در روز اول اعلام حزب را نداشتیم، اما این مطلب واقع شد و بدون انتظار ما مردم به مجرد اینکه اعلان ما را در روزنامه‌ها خواندند و زمان اعلان حزب و مکان آن را دانستند، هجوم آوردند به طوری که ما در نیم روز اول چند هزار نام نوشتیم و مجبور شدیم بایک تلاش فوق‌العاده و پیش‌بینی نشده و تمام نشدنی مقدمات جمع و جور کردن این عده عظیم از مردم را فراهم کنیم به همان کیفیت چند ماه را حرکت کردیم و با اینکه سازماندهی درستی وجود نداشت فکر می‌کنم آن زمان این جمعیت کثیر را در حدود 2 میلیون نفر تخمین می‌زدیم و هیچ دستگاه مجرب تشکیلاتی هم نمی‌توانست سازماندهی کند چه برسد به ما که هیچ تجربه‌ای تشکیلاتی سازماندهی قبل از آن را نداشتیم و در آن وضع نابسامان از لحاظ تشکیلاتی و سازماندهی می‌توانستیم بسیاری از کارهای اوایل انقلاب را انجام دهیم و این به کمک اخلاص و ایثار برادران و خواهرانی بود که شب و روز را در حزب می‌گذراندند و کار می‌کردند و هیچ توقعی هم نداشتند و برای تلاششان جز ثواب الهی هیچ قصدی نداشتند. به همان کیفیت توانستیم کارهای بعدی از قبیل مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی را برگزار کنیم. یک روزهایی هم بود که در شهر تهران اگر معلوم می‌شد یکفري وابسته به حزب است، کسانی او را مورد تهاجم و دشنام و اهانت قرار می‌دادند. عوامل و ایادی بودند که اینجا و آنجا می‌گشتند و افرادی را به اتهام انتساب به حزب جمهوری اسلامی مورد اهانت قرار می‌دادند و وابستگی به این سازمان، آن حزب آن گروه معلوم الحال و خائن و ضدانقلاب روا و جایز بود و بی اشکال و موجب هیچگونه خصومت و دشمنی با مسوولین درجه یک کشور یعنی رئیس جمهور وقت⁶ و اطرافیانش نمی‌شد. اما وابستگی به حزب جمهوری اسلامی که یک حزب اسلامی بود و شخصی مثل شهید بهشتی در راس آن قرار داشت از نظر آنها جرم محسوب می‌شد و این هم یک دورانی بود که ما گذراندیم. البته ما این دوران را نشیب نمی‌دانیم و این هم یک اوجی بود و درمعنا یک اعتلایی بود و به معنای این بود که حزب جمهوری اسلامی آنقدر در خط انقلاب سرسخت و آشتی‌ناپذیر است که به هیچ وجه این ضدانقلاب‌ها نمی‌توانند با آن کنار بیایند، لکن به حسب ظاهر یک غربت محسوب می‌شد و یک تنهایی. خیلی‌ها در آن دوران مصلحت خودشان دیدند که از حزب جمهوری اسلامی برکنار و دور باشند و از نام حزب تبری کنند، اما حزب به حیات خودش ادامه داد و قدرتمندانه پیش رفت و روزنامه حزب با همه توان و ظرفیت سیاسی و عقلانی و ذهنی قوی و فراوانی که داشت خط روشن انقلاب را تعقیب کرد و تحت تاثیر حرکت غلط مطبوعاتی در دورانهای مختلف قرار نگرفت و حتی آن حرکتها را تحت تاثیر خودش هم قرار داد و این یک حالتی بوده که بر حزب گذشته و فراز و نشیب‌هایی از این قبیل باز هم داشته‌ایم. یک روزی بود که عزیزانی از دست رفتند و شهید شدند و روزهایی هم بود که همه تلاش‌ها و امکاناتی که انسانهای بزرگی چون شهید بهشتی، شهید باهنر داشتند مصرف می‌شده و در خدمت پیشرفت حزب به کار می‌رفته به هر حال حوادثی که ما در این چهار سال و چند ماه گذرانده‌ایم تحقیقا چندین برابر حوادث طبیعی یک چنین مدتی است.

دبیرکل حزب جمهوری اسلامی در مورد این مساله که تبلیغات زیادی صورت گرفته تا اصل ضرورت شکل خدشه دار گردد و آیا تشکیل کنگره حزب جمهوری اسلامی می‌تواند این گروه سمپاشی‌ها را خنثی سازد، بیان داشتند:

ما فکر می‌کنیم که کنگره محتاج تلاش ویژه‌ای در این جهت نیست، اگر این کنگره خوب برگزار شود و موفق باشد و اگر حزب بتواند حسن عمل نشان بدهد این زمزمه‌ها و سمپاشی‌ها به خودی خود از بین خواهد رفت. البته شاید آن کسانی که درباره نفی تشکل درجامعه صحبت می‌کنند افراد مغرضی هم نیستند چرا، کسان مغرضی درمیان آنها هستند و اصل بها دادن به این زمزمه‌ها هم از روی غرض ناشی می‌شود لکن بسیاری از افراد هستند که به درستی نمی‌دانند که حزب برای چیست و چه فایده‌ای و چه ثمره‌ای را برای اجتماع و انقلاب داراست. اگر حزب بتواند فعالیت چشمگیر و خوبی بکند و کنگره بتواند وظائف خودش را انجام بدهد، به خودی خود این اندیشه درست یعنی اندیشه ضرورت حزب در ذهن ما جا خواهد افتاد و هر گونه زمزمه مخالفی خاموش خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما در پایان این مصاحبه دبیرکل حزب جمهوری اسلامی پیرامون برنامه آینده حزب جمهوری اسلامی جهت جذب نیروهای فعال و مومن به انقلاب اسلامی وضعفی که در این مورد وجود داشته است افزودند:

ما فکر می‌کنیم که برای جذب نیروها عامل کیفیت از عامل کمیت مهمتر و تعیین کننده‌تر است. شاید علت اینکه عملکرد گذشته حزب جمهوری اسلامی در این مورد به ضعف توصیف شد در این سؤال و یا در ذهن بعضی از افراد دیگر ناشی از همین مساله باشد. ما از اینکه یک رشد بادکنکی را

به خود تحميل كنيم پرهيز مي‌كنيم و تجربه آغاز كار براي ما كافي است و همواره فكر كرده‌ايم كه عناصر مومني كه علاقمند هستند در يك تشكيلات و در يك سازماندهي كار كنند، راه را بتوانند به سوي اين حزب باز ببينند و بيايند. اما افراد غيرحزبي را به چشم آدمهايي كه يك چيز ناقص دارند نگاه نكرده‌ايم و نگاه نمي‌كنيم. اين طور نيست كه ما فكر كنيم حتما يك فردي يا بايد حزبي باشد يا يك چيزي از انقلابي بودن و از مومن بودن كم دارد و ما با اين ديد به مردم نگاه نمي‌كنيم لذا اصراري و عجله‌اي براي جذب افراد حتي در داخل سازمان حزب نداريم. البته معتقديم كه اين سازمان هر چه شمول بيشتري و فراگيري بيشتري پيدا نمايد به نفع جامعه و انقلاب است و اين مطلب را به طور قطع و يقين مدعي هستيم و معتقديم، اما اين اعتقاد به اين معنا نيست كه حتما سعي كنيم افراد را به هر كيفيتي هست، داخل حزب كنيم. البته بعد از جريان كنگره فكر مي‌كنم كه روند عضوگيري حزب شتاب بيشتري خواهد يافت و اعضاي با كيفيت بيشتري را در حزب خواهيم ديد و ما همچنان كه گفتم مساله عضوگيري ما توام با حرص زدن شتابزدگي مثل بعضي از احزاب و گروههاي ديگر (كه در سراسر جهان و در ايران هم مشاهده شده و مشاهده مي‌شود) نخواهد بود.

تشكيل راه رستگاري و نجات در مجمع ياران همراه

سخنان حضرت آيت الله هاشمي رفسنجاني در جمع اعضا ستاد برگزاري نخستين كنگره حزب

اشاره:

نخستين كنگره حزب جمهوري اسلامي نقطه عطفي در تاريخ تحزب در دنياي اسلام است. در آستانه برگزاري نخستين كنگره حزب جمهوري اسلامي آمد اعضا ستاد برگزاري اين كنگره با آيت الله هاشمي رفسنجاني ديدار كردند.

ابتدا گزارش كارهاي انجام شده و برنامه‌هاي مربوط به برگزاري نخستين كنگره حزب جمهوري اسلامي توسط برادر دكتور جاسبي سرپرست ستاد برگزاري نخستين كنگره خدمت آيت الله هاشمي رفسنجاني ارائه شد آنگاه ايشان پس از استماع گزارش، سخنان مهمي درباره حزب جمهوري اسلامي، ضرورت تشكّل اسلامي و نخستين كنگره حزب جمهوري اسلامي آموذاد كردند.

بسم الله الرحمن الرحيم

با تشكر از برادراني كه در ستاد برگزاري اولين كنگره حزب جمهوري اسلامي زحمت كشيده‌اند و مقدمات اين كار بزرگ را فراهم كردند، بد نيست كه خودمان توجه بكنيم كه چه كار بزرگي را داريم انجام مي‌دهيم. اين كنگره نقطه عطفي هم در تاريخ حزب جمهوري اسلامي و هم نقطه عطفي در تاريخ تحزب در دنياي اسلام مخصوصا در منطقه ما است. چنين توقعي خيلي بزرگ و دور از دسترس نيست. اگر ما به ويژگيها و خصوصيات حزب جمهوري اسلامي توجه كنيم نكات قابل توجهي كه مي‌تواند ما را به اين نتيجه گيري كه مطرح كردم برساند اين است كه اولاً جامعه ما يكي از كمبودهاي بسيار مهم چشمگيرش همين كمبود تشكيلات كاملاً اسلامي است كه اين كمبود در سراسر تاريخ ما به چشم مي‌خورد. مخصوصا در اين يكصد سال اخير كه خيلي از مسلمانها و روحانيت درگير بودند و هميشه منشا حركتهاي صحيح مي‌شدند و حركتها عقيم مي‌ماند و يا دشمنان بعدها از آن سوء استفاده مي‌كردند و فرصت طلبها از زحمات مسلمانها و روحانيت استفاده مي‌كردند. آدم وقتي كه اين تاريخ يكصد و ده، بيست ساله گذشته را از زمان مرحوم سيد جمال الدين تا حالا مي‌خواند، مي‌بيند كه در هر مقطعي كه يك نهضت اسلامي به رهبري روحانيت و مسلمانها آغاز شده آنچه مسلمانها را زجر داده و آنها را عقب انداخته نداشتن تشكيلات و پراكنده كاري و متشكل بودن نسبي دشمنان بود. در آغاز اين نهضت اخير روحانيت كه امام رهبري مي‌كردند و تا امروز ادامه دارد در كارهاي اجرايي مبارزه هر روز به نياز شديد تشكيلات برخورد مي‌كرديم كه فاقد آن بوديم، رهبري خيلي قاطع و كوينده بود و اعتماد مردم به رهبري خيلي در سطح بالا بود، اما اين براي كارهاي

اجرائی کافی نبود.

در شش سال اخیر مبارزه که گروه‌های دیگری نسبتاً متشکل برخورد می‌کردند با اینکه بسیار تعداد کمی بودند به این صورت این پیش می‌آمد که اینها جریان اصلی مبارزات را تحت الشعاع قرار می‌دهند.

آنهایی که در آن دوران مبارزه شرکت داشتند این نیاز را بیشتر از دیگران درک می‌کردند و کسانی که پیش قدم شدند در تاسیس حزب جمهوری اسلامی و کسانی که به شدت استقبال کردند افرادی بودند که این کمبود را احساس کردند، کسانی که در جریان کارشکنیهای فراوانی که علیه حزب جمهوری اسلامی در این چهار سال که از عمرش می‌گذرد، بودند مشکلات فراوانی را در این مخالفتها لمس کردند.

آنهایی مقاومت کردند که در اثر تجربیات گذشته مطمئن بودند که تشکیلات اسلامی برای آنها ضرر ندارد این تشکیلات بحمدالله به وجود آمد و علی‌رغم گرفتاریهایی که ما به خاطر کارهای انقلاب که برای ما اولویت داشت حتی بر حزب، داشتیم یعنی ضروری بود که هر روز به این کارها برسیم و هنوز هم ادامه دارد، در این مدت توانستیم مقداری از وقت را صرف حزب بکنیم و این تشکیلات را با همه کارشکنیهای فراوان سر پا نگهداریم و رشد نسبی بدهیم و بجای برسیم که امروز کنگره بزرگ حزب را تشکیل بدهیم و جمع زیادی از زندگان نیروهای اسلامی را دور هم جمع کنیم و تصمیمات شایسته‌ای درباره تحکیم پایه‌های حزب بگیریم و آن را محکم کنیم. ما در روزهای اول فکر می‌کردیم که کنگره را زود داریم تشکیل می‌دهیم! پیش‌بینی کردیم که وقتی اعضای حزب به سیصد نفر رسیدند اولین کنگره تشکیل بشود، ولی استقبال عظیم مردمی که در همان ساعات اول در سراسر کشور از هزارها نفر تجاوز کرد بعد معلوم شد که فکر درستی نبود و بعد که جمع‌بندی از داوطلبان عضویت و کسانی که به عنوان عضو پذیرفته شده بودند کرده بودیم وقتی که برای ما مشخص شد تصمیم گرفتیم هرچه زودتر به تشکیل کنگره اقدام کنیم، دو سه بار آماده شدیم مخصوصاً «شهید مظلوم آیت الله بهشتی» که بیشتر از ما روی حزب وقت صرف می‌کرد خیلی اصرار داشتند و عاملها درست شد.

یکی از زمانهای تعیین شده برای کنگره همان زمانهای نزدیک شهادت ایشان (شهید مظلوم آیت الله بهشتی) بود که متأسفانه با وضعی که پیش آمد کنگره برگزار نشد و از جهت اینکه تروریسم به وجود آمده بود امنیت کافی وجود نداشت مشکلی بود و نمی‌شد که این کار صورت بگیرد. بعداً برنامه‌ریزی کردیم و شرایط مناسبی را در نظر گرفتیم تا امروز با تلاشهایی که شد موفق شدیم آنچه می‌بایست خیلی زود تشکیل می‌شد امروز برسیم مطمئناً اگر حزب بخواهد ماهیت حزبیش را داشته باشد نمی‌تواند بدون کنگره باشد و اگر جایی است که نخبه‌ها و برگزیده‌ها با رای مستقیم اعضای حزب که در حوزه‌ها انتخاب شدند جمع می‌شوند و روی مسائل اصولی حزب تصمیم می‌گیرند و شورایی مرکزی را انتخاب می‌کنند، اساسنامه را تصویب می‌کنند، مرامنامه را تصویب می‌کنند و مواضع حزب را تصویب می‌کنند و شورایی داور را انتخاب می‌کنند به هر حال اساس حزب را که باید انتخابی و با آرا اعضا باشد تبلورش را ما در کنگره و تصمیمات کنگره می‌بینیم. این یک ضرورت بود که خوشبختانه ما رسیدیم اما در دوره سه چهار سال پشت سرمان هم اگر حزب جمهوری اسلامی بدون یک کنگره هم تصمیماتش مورد قبول و پذیرش اعضا بوده و اعتراضی نبود به خاطر اعتمادی است که آن روز بین موسسین حزب و منتخبان موسسین حزب و کسانی که مسئولیتها را به طور انتصابی در سطوحی و انتخابی در سطوح دیگر به عهده داشتند. به خاطر این اعتماد در گذشته هم ما توانستیم به صورت یک حزب عمل بکنیم، اما از این مقطع ما وارد مرحله تازه‌ای خواهیم شد.

تحقیقا این جهش و مرحله نوینی که در وضع حزب به وجود می‌آید نشان تثبیت موقعیت حزب و پابرجا شدن یک حزب اسلامی مورد اعتماد مردم و جامعه است. دشمنان این حزب و آنها قاعدتاً بی‌کار نمی‌نشینند در آستانه این کنگره ممکن است به هرگونه عملی که فکر می‌کنند به نحوی تضعیف حزب و یا کنگره است و یا حتی تحت الشعاع قرار دادن اخبار کنگره اقداماتی بکنند و پیش از شروع کنگره و روزهای آخر دوره گذشته که ما از این به بعد را دوره جدید حساب می‌کنیم، شاهد بعضی از شیطنتها هم بودیم. خوشبختانه موثر واقع نشد ولی آنها مایوس نمی‌شوند و تا امکان داشته باشند حرکتی خواهند کرد، این مربوط به امروز نیست.

در این مقطع ممکن است تحرك جدید پیدا کنند اما حزب جمهوری اسلامی به خاطر نقشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد بی دشمن نبوده و نیست، دشمنانشان هم طبعاً آدم صالح به حساب نمی‌آیند ممکن است که بعضی‌ها اختلاف سلیقه داشته باشند. اما ما آنها را دشمن حساب نمی‌کنیم آنهایی که روزهای اول تولد حزب آن قدر هیاهو کردند در صورتی که در آن موقع حزب حاکم

نمود و همه کمبودها را به رخ حزب می‌کشیدند و کمبودهای انقلاب را به رخ مردم، و دفتر حزب جمهوری اسلامی را منفجر کردند و آن همه شهید را در يك روز از ما گرفتند و آنهایی که به شخصیت بارز حزب «شهید بهشتی» اهانت روا داشتند و ما را مورد تعرض همه گونه اتهامات قرار دادند، آنهایی که به هرچوری که توانستند بر علیه حزب در مقابل مردم کارشکنی کردند آنها به کلی نمرده‌اند ممکن است از آن قدرت قبلی افتاده باشند ولی دوباره ممکن است در شکل و لباس و شیوه جدیدی برخورد بکنند. دوستان حزبی ما به خصوص مردم مسلمان، باید با دقت مواظب اینگونه مسائل باشند و تحت تاثیر شیطنتها قرار نگیرند، من عرض می‌کنم که اگر این بار تجربه تشکل حزب اسلامی به شکست بیانجامد برای مدت طولانی در یکی دو نسل آینده لااقل دیگر تشکیلات اسلامی پا نخواهد گرفت. عده‌ای مایوس می‌شوند و عده‌ای مردد می‌شوند و دشمنان همین را می‌خواهند و حزب با این امکانات که در حال حاضر در حزب جمهوری اسلامی تشکیل آن به آسانی مقدور نیست، چطور می‌شود چهره‌هایی چون شهید مظلوم بهشتی و شهید بسیار بزرگوار و دانشمند دکتر باهنر را که از چهره‌های بسیار معتبر انقلاب و بلکه از چهره‌های اسلامی منطقه و معروف هستند و از بنیانگذاران این حزب هستند و جانشان را در راه همین حزب و انقلاب از دست داده‌اند و این افتخاری را برای حزب به جا گذاشته‌اند را نادیده گرفت. حزبی که در مدت کوتاهی 10 نفر شهید از شورای مرکزی که 30 عضو دارد يك سوم اعضای شورای مرکزی آن شهید شدند، حزبی که 100 نفر از کادرهایش را در جبهه و در مقابل منافقین و تروریستها شهید داده‌است و هزاران نفر از اعضا و هوادارانش در جبهه‌ها شهید شده‌اند، حزبی که افتخار از میدان در کردن جریان لیبرالیسم اگر نگوییم قسمت عمده لااقل به عنوان يك سهم عظیم در پرونده خودش دارد، حزبی که صدها روحانی متعهد و مبارز در کادرهای خودش دارد، حزبی که تعداد زیادی از ائمه جمعه را همراه خودش دارد، حزبی که روزهای اول تاسیسیش تا امروز میلیونها نفر مسلمان که حاضرند همه گونه همکاری با او بکنند، حزبی که مهمتر از همه اینها مورد اعتماد امام امت است که ما با مشورت امام و جلب موافقت امام در روزهایی که برای ما از پرمشغله ترین روزها بود و هر لحظه از لحظات عمر ما می‌بایست صرف انقلاب می‌شد با اجازه امام و با تشخیص اینکه امام اجازه دادند تاسیس کردیم و در همه مواقع سعی کردیم که رضایت ایشان را در اعمالمان جلب کنیم و همیشه هم از تایید ایشان برخوردار بودیم. هر جا که گرفتاری برای ما پیش آمد ایشان رفع کردند، حزبی که در مجلس مقبول است، در دولت مقبول است، در کارکنان دولت مقبول است، در جامعه مقبول است، در روحانیت مقبول است در دنیا اعتمادی کسب کرده است. در چهار سال تجربه بسیار خوبی پشت سر خودش دارد، با همه فشاری که دشمنان آوردند تا نقطه ضعف مشهودی را پیدا کنند و بدنام کنند عملکردش افتخارآمیز است و نتوانستند کاری بکنند. با همه این نقاط مثبتی که حزب همراه خودش دارد اگر این حزب نتواند پا برجا بماند و شکست بخورد، دیگر تشکلهای اسلامی چطور می‌تواند باشند و با چه شرایطی بهتر از این می‌توان تشکل اسلامی درست کرد؟

حزبی که دبیرکل آن امروز شخصیتی است مثل حضرت آیت الله خامنه‌ای که نزدیک 17 (7) میلیون رای مردم را به خود اختصاص داد، یعنی تقریباً همه آرا قابل توجه این کشور و بارها در راه آرمانش تا مرز شهادت رفتند، لازم نیست که من این تعریفها را بکنم به هرحال این همه سرمایه معنوی در يك حزبی جمع شده است ما باید از این سرمایه استفاده بکنیم و واقعیت را مغتنم بشماریم و این لطف خدا را شاکر باشیم و اگر شکر این نعمت را نکنیم این نعمت از ما زایل می‌شود و مستحق اینگونه نعمتها به آسانی نخواهیم شد. امروز در شرایطی که ما می‌دانیم تشکل و انسجام و همکاری و هماهنگی در دنیا حتی با تعداد کمی از افراد چقدر می‌تواند منشا اثر باشد. نمونه‌های فراوانی وجود دارد، اگر نیروهای حزب الله بخواهند متشکل عمل کنند نباید به لفظ حزب الله قناعت کنند و تشکیلات مناسبی را به وجود نیاورند و همان شعارهای گمراه کننده که گاهی گفته می‌شود امت خودش حزب الله است و کافی است همین را حزب حساب کنیم. مثلاً بگویند روحانیت معنی حزب است و به تشکیلات جدید نیازی ندارد یا چیزهایی از این قبیل بخواهند مطرح بکنند. ممکن است هم گاهی دوستان این را بگویند اما ممکن است که القا دشمنان یا برداشت اشتباه باشد.

به هرحال ما هم نمی‌توانیم بگوییم که همه مردم، همه شخصیتها باید همین طور و همین گونه عمل بکنند، فقط می‌توانیم بگوییم که این میدان بایستی به کسانی که ضرورت تشکل را تشخیص می‌دهند و تشکیلات را برای يك دولت و حکومت اسلامی مفید می‌دانند به آنها این مطلب را قاطع بگویم که فرصتی به این خوبی و به آسانی پیدا نمی‌شود و به این آسانی نخواهد شد، ممکن است بعدها شرایط جدیدی باشد ما خیلی آینده دور را نمی‌توانیم پیش‌بینی بکنیم اما چشم انداز نشان می‌دهد که ما در مقطعی هستیم که تجربه تحزب اسلامی می‌خواهیم عمل بکنیم و اگر این تجربه موفق باشد این راه برای آینده دنیای اسلام باز است و اگر این تجربه به خاطر ضعفهای ما یا به خاطر

حسادتها و مخالفتهاي بي معني ناموفق باشد بايد اين خسارات را براي مدتي جبران بکنيم و نمي توانيم اين خسارات را تحمل بکنيم.

ما اميدواريم که خداوند به ما توفيق بدهد که براي رضاي او و در راه او و به خاطر او و براي اسلام اين راه را بتوانيم ادامه بدهيم و از همه دوستان، اعضا و هواداران مي خواهيم که کاملاً توجه کنند اين تشکيلات براي اسلام و براي خدا و براي اجراي معنويات رهبري است و در خط امام و اسلام راستين و در خط اسلام فقاھتي است و براساس همين اسلامي که از طريق رهبري ولايت فقيه مورد عمل ما است بايد عمل بکنيم، بر اين اساس ان شاء الله با توفيق خداوند بتوانيم به وظيفي که در اين مقطع داريم عمل بکنيم.

هدف والاي شهيد مظلوم آيت الله بهشتي

گفتگو با آيت الله جوادي آملی

اشاره:

حضرت آيت الله جوادي آملی از اعضاي جامعه مدرسین حوزه علميه قم در مصاحبه اي که در تاريخ پنجشنبه 22 اردیبهشت 1362 انجام شد به سئوالات مطرح شده پیرامون ضرورت تشکيلات حزب جمهوري اسلامي و برگزاري نخستين کنگره آن پاسخ گفت، ایشان در اين گفتگو از نقش شهيد مظلوم آيت الله بهشتي در پيدايش اين تشکل اسلامي تجليل کرده و وي را اولي الايدي و الابصار دانست که در نزديک کردن امت به امام سهم به سزايي داشت. مشروح مصاحبه با ایشان به شرح زیر است:

نظرتان نسبت به ضرورت تحزب و تشکل و ویژگیهاي يك تشکيلات اسلامي چیست؟
اعوذ بالله من الشیطان الرجیم - بسم الله الرحمن الرحيم - اسلام هم به تشکيلات دعوت کرده است و هم ویژگی آن تشکيلات را تعيين کرده است چون همه ابعاد اسلام با وحي تعيين شده هم مواد اوليه تشکيلات را و هم صورت و هماهنگي تشکيلات را که ویژگی او را تشکيل مي دهد معين کرده. اولاً دين يك دين اجتماعي است نه دين انفرادي، بهترين و برترين وظيفه دين همان عبادت است. که عبادت را مي فرمايد به حالت اجتماع انجام بگیرد نه به حالت انفراد، دستور اين چنين است که انسان نماز را به جماعت بخواند تحليل اين عبادتها همه نشانه يك تشکيلات منسجم است. مي فرمايند نماز را به جماعت بخوانيد کسي که نماز را درمسجد با جماعت نمي خواند از ريقه مسلمين دور است. مردی حضور معصوم عليه السلام عرض کرد من نابينايم گاهي کسي نيست که دستم را بگیرد و به مسجد برساند حضرت فرمود يك نخي بين منزلت و مسجد بکش آن نخ و طناب را بگیر و به مسجد بيا تا از جماعت مسلمين جدا نشوي! اين قدم اولي است که انسان با عبادتها روبروست. آنگاه گفته اند نماز را به طرف کعبه بخوانيد و کعبه را به عنوان عامل قيام کرده اند فرمود: «جعل الله الکعبه البيت الحرام قياماً للناس⁽⁸⁾» از تحليل اين عبارت به خوبي استفاده مي شود که انسان بايد به پاگاه قيام متوجه باشد پاگاهي که براي قسط قيام مي کنند متوجه باشد يعني همگان بايد نماز بخوانند و با هم نماز بخوانند و به آن بنايي که قيام همگاني مردم است متوجه مردم باشند. اگر فرمود «و اقيموا وجوهکم عند کل مسجد⁽⁹⁾» و اگر فرمود مسجدها بايد به طرف کعبه باشد و اگر خدای کعبه را عامل قيام معرفي کرده است. يعني تمام مومنين و تمام بندگان حق که بايد به سمت کعبه متوجه باشند يعني به مرکز قيام به قسط متوجه باشند هم قسط و عدل در مسائل فردي هم قسط و عدل در مسائل اجتماعي و درباره کعبه قرآن کریم بيانش آن است که اين کعبه خانه اي است آزاد و مي فرمايد: «و ليطوفوا بالبيت العتيق⁽¹⁰⁾» اگر طواف مي کنيد بدانيد که در محور و مدار يك خانه آزادي طواف مي کنيد اگر ما شما را دستور مي دهيم که همگان حج کنيد و دست جمعي عبادت را انجام بدهيد و به دور کعبه بگرديد کعبه خانه عتيق کسي که به سمت کعبه نماز مي خواند و به دور کعبه مي گردد يعني به سمت آزادي از هر عبوديت نماز مي خواند جز بندگي و

بردگی الله. اگر این مسائل به خوبی تحلیل بشود نشان می‌دهد که اسلام يك دين اجتماعي است آن هم به سمت خانه پاك و خانه آزاد يعني خانه‌اي که از هر قيدي و از هر بردگي و بندگي رها و آزاد است جز بندگي الله، و خانه‌اي که عامل قيام مردم است پس «جعل الله الکعبه البيت الحرام قياما للناس» و به ما دستور دادند که این کعبه که بيت عتيق است به اطراف آن طواف کنید و به سمت آن نماز بخوانید آنگاه این برنامه بدون تشکیلات ممکن نخواهد بود بدون نظم میسر نخواهد بود. اگر امیرالمومنین علیه‌السلام فرمود و «نظم امرکم»⁽¹¹⁾ و اگر معصوم علیه‌السلام می‌فرماید: «إذا كنتم ثلاثة في سفر فامروا احدکم» اگر شما در يك مسافرت سه نفره حرکت می‌کنید يکي را به عنوان امير قافله انتخاب کنید که کار روي نظم باشد براي آن است که هرگز برنامه ریخته و پاشیده به جايي نمی‌رسد. اسلام، هم نظم و تشکیلات را ترغیب کرده است، و هم آن عامل هماهنگ کننده تشکیلات را ترغیب کرده است. دستور داد عبادت کنید در محور خانه عتيق، قيام کنید به سمت خانه‌اي که قيام همگاني است که «جعل الله الکعبه البيت الحرام قياما للناس»، در همان جریان حج که بهترین و برجسته‌ترین عبادتهاي اسلامي است در آنجا دستور اسلامي آن است که براي قافله يك مسووليتي معين بشود به نام امام کاروان و این ائمه کاروانها باید به آن امام معصوم متکي باشند و در روایات حج آمده که «ان من تمام الحج لقا الامام عليه السلام» وقتی حج، حج تام خواهد بود که زائران کعبه به زیارت امام معصوم شرفیاب بشوند از آنجا دستور بگیرند و حج را براي اجراي همان دستور عمل کنند. اگر مسئله امامت است، مسئله نظم و تشکیلات است امامت هم تشکیلات را تعیین می‌کند هم ویژگی تشکیلات را طرح می‌کند؛ هرچا را که امام می‌نگرد امت باید بنگرد. امام به کدام سمت می‌نگرد امام محوري دارد و آن حق است. رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم درباره اميرالمومنين عليه‌السلام فرمود: «علي مع الحق و الحق مع علي» علي در محور حق حرکت می‌کند و حق با علي است دیگر امامان معصوم علیه‌السلام این چنین هستند تشکیلات در حکومت اسلامي آن است که امت را به طرف امام متوجه می‌کند، يك سير مستقيم دارد اما امام سير مستقيم ندارد اما سير محوري دارد چون حق ثابت است. امت می‌کوشد که به طرف امام برود امام می‌جوشد که در محور حق حرکت کند. امام به منزله کعبه خواهد بود يك مرد آزاد است. امام به منزله کعبه خواهد بود که عامل قيام امت است. این هم نظم تشکیلاتي را تعیین می‌کند هم ویژگی این تشکیلات را.

این اصل، هم ضرورت تشکیلات را اشاره می‌کند و هم اینکه تشکیلات باید در محور حق باشد نه غیرحق، اگر کسی چیزی را نمی‌داند و آن را عمل می‌کند حق نیست یا اگر می‌داند ولي به طبق هوس و هوي عمل می‌کند حق نیست. هرگز این تشکیلات نمی‌ماند چون خدا عهده‌دار حفظ تشکیلاتي است که، امتش به سوي امام باشد و امامش در محور حق باشد. این تشکیلات را خدا فرمود، هم لازم است و هم من حفظش می‌کنم. بنابراین به انسان می‌تواند بگوید ما تنها کار می‌کنیم و دستش را از کمك قافله اجتماع بکشد و نه می‌تواند بگوید ویژگی این تشکیلات را ما خودمان طرح می‌کنیم! امیرالمومنين علیه‌السلام هر دو اصل را يعني هم ضرورت تشکیلات را و هم ویژگی تشکیلات را اشاره کرد. فرمود: اولاً کسی حق ندارد بگوید من تنها می‌اندیشم و تنها به اسلام و مسلمین خدمت می‌کنم «الشاز من الناس للشيطان كما ان الشاز من الغنم للذئب» (این يك بيان است) فرمود همانطوري که گوسفند مانده از رمة طعمه گرگ است و از سرپرستي شبان بهره نمی‌برد، انسان وامانده از قافله جامعه هم طعمه شيطاني است! انساني که شاز است، تکرر است این تکرر گرفتار شيطاني است! مثل آن گوسفند وامانده از رمة که طعمه گرگ است «الشاز من الناس للشيطان كما ان الشاز من الغنم للذئب» پس همگان را دعوت می‌کند؛ آنگاه به چه سمت دعوت می‌کند؟ به سمت يك امامي دعوت می‌کند که خودش برحق است که «علي مع الحق و الحق مع علي» این حق را از کجا می‌گیرد این حق را «الحق من ربك»⁽¹²⁾ فرق است بين خدا و امام. خدا منشا حق است و امام در محور حق حرکت می‌کند چون امام بنده است، باید در مدار حق حرکت کند! خدا خالق است منشا پیدایش حق است. این دو تعبیر در تعبیرات اسلام به طور برجسته به چشم می‌خورد يکي اینکه «الحق من ربك»، حق از خداست يکي اینکه «علي مع الحق» امام معصوم با حق است و در محور حق است این حق را خدا تعیین می‌کند نه امام. امام حق محور است نه تعیین کننده حق، خدا تعیین کننده حق است امت گرایش به سمت امام دارد، این می‌شود تشکیلات و ویژگی تشکیلات، نه کسی می‌تواند تنها فکر کند و از جامعه جدا بماند و نه کسی می‌تواند ویژگی تشکیلات را خود تعیین کند نظام، نظام امامت و امت است در زمان امام معصوم، امام معصوم، درغیبت امام معصوم، ولي فقيه است که هم ضرورت تشکیلات را تعیین می‌کند. این انسجام را امام تعیین نمی‌کند. امت تعیین نمی‌کند. این انسجام را خدا تعیین می‌کند. فرق است بين اینکه ما بگوئیم حق از خداست و بگوئیم علي علیه‌السلام با حق است! امام معصوم در محور حق

است همان طوري كه خود امام را خدا خلق كرد حق را هم بايد خدا تعيين كند و پس «الحق من ربك». بنابراین وقتی انسان در برابر این مسوولیت سربلند می‌شود كه هم خود را از جامعه جدا نداند و هم عامل انسجام این امت و امام را تشخیص شخصی خود نداند. اگر قرآن کریم به رسول الله صلي الله عليه و آله و سلم می‌فرماید: «لا تحرك به لسانك لتعجل به»⁽¹³⁾ قبل از اینکه وحی بیاید زبانت را حرکت نده بگذار حق بگوید تو بشنوی و پیام را برسانی به دیگران هرگز اجازه نمی‌دهد. خدای متعال این تشکیلات را هم ترغیب می‌کند، هم وعده حفظش را داده است. و هیچ عاملی ممکن نیست تشکیلاتی این چنینی را آسیب برساند، چرا؟ چون خدایی كه هم از نظر سپاه فرمود «ولله جنود السموات و الارض»⁽¹⁴⁾ هم از نظر امکانات فرمود «ولله خزائن السموات و الارض»⁽¹⁵⁾. هم از نظر رمز و راز فرمود «له مقاليد السموات و الارض»⁽¹⁶⁾ کلید نظام هستی به دست خداست! این خدا عهده‌دار و حافظ تشکیلاتی این چنین خواهد بود بنابراین هم در اسلام اصل تشکیلات ضروری است و هم ویژگی تشکیلاتش مشخص است هم مسئله تشکیلات بر مدار امامت و امت است. نه نظام شورایی كه از بیگانه آمده و خواست كار را به دست شورا بسپارد. اگر نظام، نظام شورایی بود كه نیازی به وحی نبوده! در قرآن کریم شورا وسیله‌ای برای تنظیم كار بر مدار امامت و امت است. امام است كه باید تصمیم بگیرد و امام است كه حق را می‌شناسد و بر محور حق می‌رود و امت را به سمت خود دعوت می‌کند. مثل كعبه‌ای است كه خانه عتیق و آزاد زیر بار هیچ سلطه‌ای نخواهد رفت زیر بار هیچ دشمن درونی و یا بیرونی نخواهد رفت قهراً هم مسئله ولایت فقیه تعیین خواهد شد و هم ویژگی این تشکیلات تعیین خواهد شد و هم ضرورت يك تشکیلات اسلامی تعیین خواهد شد.

لذا شهید مظلوم آیت الله بهشتی رضوان الله علیه و حشره مع اولیائه تلاشش بر همین مدار و بر همین محور بود سعی می‌کردند كه امت را به امام نزدیک كنند و امام را در محور حق بیابند كه این حق از خداست. در این راه تلاش می‌کردند و برای همین راه هم خون دادند. تا زنده بود می‌گفت و می‌نوشت وقتی هم كه شهید شد با خون همان كاری را كرد كه با زبان بیان می‌كرد. اینکه در دعاها می‌خوانیم خدایا زندگی ما را زندگی محمد و آل محمد صلي الله عليه و آله و سلم قرار بده این است: «اللهم اجعل محياي محيا محمد و آل محمد و مماتي ممات محمد و آل محمد صلي الله عليه و آله»⁽¹⁷⁾ زندگی آنها پر برکت و پر بار بود مرگ آنها هم آموزنده و پر برکت و پر بار بود بعضی‌ها می‌میرند كه دیگران را زنده كنند بعضی‌ها قبل از این كه بمیرند از یادها رفته‌اند! فرق است بین آن مرگی كه عامل حیات دیگری باشد و بین آن مرگی كه باعث فراموشی خود باشد! قرآن همه را زنده نمی‌داند در عین حال كه به حسب ظاهر زنده‌اند می‌گویند من يك عده را نامدار كردم يك عده را نامور می‌كنم نام يك عده را در چهره تاریخ حفظ می‌كنم. فرمود: من ابراهيم و آل ابراهيم را در صفحه تاریخ حفظ می‌كنم و «لسان صدق في الاخيرين»⁽¹⁸⁾ قرار می‌دهم؛ نمی‌گذارم هاضمه تاریخ این گونه چهره‌ها را هضم كند، بلكه دستور می‌دهم كه صفحه تاریخ صفحه برجسته این گونه افراد و مردان باشد. عده دیگر را قرآن کریم فرمود: ما اینهارا «نسيا منسيا»⁽¹⁹⁾ می‌كنیم اینها را به دست تاریخ می‌سپاریم و فراموششان می‌كنند. اما این عده را فرمود ما اینها را حفظ می‌كنیم اینها نامدارند لسان في الاخيرين هستند. آیندگان هم از اینها به نیکی یاد می‌كنند چون اینها صديق بودند و صادقانه زندگی كردند و مع الصادقين بودند این هدف والای شهید مظلوم رضوان الله علیه در تشکیلات اسلامی و در صورت تحزب اسلامی و در ویژگی این تشکیلات است. همه ما به خواست خدا و همه برادران اسلامی باید این خصیصه را در هر نهادهی كه هستیم حفظ بكنیم، چون ما نه خود می‌توانیم بیاندیشیم نه خود می‌توانیم حق را تعیین كنیم؛ ما می‌بیم در برابر هزارها مسائل مجهول! تنها آن اصلی كه می‌داند و می‌تواند راه را تشخیص بدهد وحی است. عقل در برابر وحی مثل چراغ است كه راه را می‌بیند. هرگز اندیشه‌های بشری و فكر سیاستمداران تعیین كننده خط مشی سیاسی نخواهد بود. يك انسان متفكر به منزله چراغ است كه راه را نشان می‌دهد تا انسان راه را برود هوش افراد هوشمند به منزله چراغ است انسان چراغ را در دست می‌گیرد كه ببیند راه كجاست. عقل به انسان می‌گوید راه را انبیا نشان داده‌اند آن راه است. بین سراج و صراط آن فرق است. صراط یعنی راه و چیزی است كه اگر کسی آن را طی كرد به مقصد می‌رسد ولی چراغ راه نیست اگر کسی چراغ داشته باشد كه به مقصد نمی‌رسد! چراغ برای آن است كه انسان راه را ببیند عقل برای آن است كه راه را ببیند آن راه همان صراط مستقیم است و آن همان دین است كه وحی آورده. يك حزب وقتی می‌ماند از خطا محفوظ می‌ماند و كه چراغ باشد نه راه! هرگز خط مشی‌ای را كه حزب تعیین کرده‌است نمی‌ماند خط مشی را وحی تعیین می‌كند. يك تشکیلات سیاسی عقل و هوش این راه را می‌بیند. اصراری كه شهید مظلوم در همان شورای عالی قضایی داشت در دفاع از لایحه قصاص و در دیگر مسائل

سیاسی داشت و می‌گفت به اینکه ما نه یک و او باید بر این راه بیافزاییم نه یک و او از این راه بکاهیم. شاگرد هوشمندی بود توانست از اسلام خوب بهره بگیرد بفهمد که عقل یک بشر چراغ است نه راه. قرآن کریم می‌فرماید پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم صراط مستقیم می‌گوید: «یس والقران الحکیم انک لمن المرسلین علی صراط مستقیم»⁽²⁰⁾ پیغمبر است که راه راست است وحی است که صراط مستقیم است عقل است که نبی را از متنبی تشخیص می‌دهد راه را از چاه تشخیص می‌دهد. چراغ راه نیست اگر واقعا بخواهیم بمانیم و اگر بخواهیم خدمت بکنیم راه غیر از آن نیست که به ما نشان داد. بیانی را مرحوم کلینی رضوان الله علیه از معصوم علیه السلام نقل می‌کند که حضرت به دو نفر از شاگردان فرمود «شرقا او غربا» مشرق بروید یا مغرب بروید حرف همین است که ما اهل بیت می‌گوییم زیرا ما نه از خود می‌گوییم نه از دیگری می‌گوییم فقط از خدا سخن می‌گوییم و بس. انسانی می‌تواند در این نظام خدمت کند و به حیات ابد برسد که ذره‌ای بر اسلام نیافزاید و ذره‌ای از اسلام نکاهد یعنی این راه مستقیم را طی کند عاقل باشد که راه را ببیند و در این راه و در طی این راه هیچ هراسی هم نداشته باشد. مومن کسی است که ترس را ببیند و در این راه و در طی این راه هیچ هراسی هم نداشته باشد. مومن کسی است که ترس را بترساند. مومن کسی است که طوری زندگی کند که ترس حق نداشته باشد به حریم او راه پیدا کند. در جنگها _ در صلحها _ در دیگر مسائل، آنگاه ویژگی یک تشکیلات حزبی را همین دو رکن تشکیل می‌دهد که خوب بیاندیشند، و راه راست را تشخیص بدهند یعنی راه راستی که تعیین شده است که امیدواریم خدای متعال آن توفیق را به این حزب خدمتگذار به اسلام مرحمت بکند اعضای محترمش و مسوولینش مانند دیگر مسوولین و دیگر افراد مومن برجسته و شهیدپرور ایران بتوانند عقل را پر فروغ کنند که راه راست را درست ببیند و بعد از تشخیص همان صراط مستقیم در پیمودن آن صراط مستقیم هیچ کوتاهی نکنند.

تشکیلاتی اسلامی در کنار امت شهید پرور بر مبنای اطاعت از ولی فقیه و در چهارچوب اسلام فقه‌ای آنهم با بنیانگذارانی چون شهید مظلوم آیت الله بهشتی و دیگر موسسین تا چه حد ضروری است و نظراتان در مورد حزب چیست؟

مقداری از این مسائل در خلال بیان قبلی عرض شد که اصل تشکیلات ضروری است؛ چون دین، دین تشکیلاتی است! وقتی انسان تشکیلاتی کار می‌کند که عامل انسجام آن تشکیلات را هم رسیدگی بکند! عامل انسجام و تشکیلات اسلامی همان صراط مستقیم است که اسلام فقه‌ای خواهد بود و اسلام فقه‌ای بر اساس نظام امامت و امت است نه نظام شورایی و مانند آن، نظام امامت و امت بدون ولی فقیه نخواهد بود. بیانی را مرحوم صاحب جواهر رضوان الله علیه دارد می‌فرماید: کسی که منکر ولایت فقیه است گویا طعم فقه را نچشیده، آیا شیعه در زمان غیبت و اصولا مسلمین در زمان غیبت ولی عصر ارواحنا فدا حکومت و نظمی دارند یا ندارند؟ این بزرگ فقیه نامدار امامیه می‌گوید اگر کسی ولایت فقیه را انکار کند «کانه ماذاق من طعم الفقه شیئا» گویا چیزی از طعم فقه نچشیده است! اسلام جز اسلام فقه‌ای نخواهد بود و نظام هم جز نظام امامت و امت نخواهد بود در زمان غیبت، چه اینکه در زمان حضور، امام عصر است، در زمان غیبت نائبان به حق آن معصوم علیه السلام خواهند بود و بنابراین بزرگانی که زحمت کشیدند و تلاش کردند می‌خواهند همین را ان شاء الله رحمان پیاده کنند، منتهی خیلی باید دقیق بود تا آن عامل نفوذی در درون انسان راه پیدا نکند کار به همان اندازه که پرپرکت و پرثمر است به همان اندازه پرخطر است. چون شیطان همه این نقشه‌ها را بلد است. شیطان بیشتر به سراغ کسانی می‌رود که مسوولیت سنگین‌تری دارند. آنها که یک کنار افتاده‌اند که در دام شیطانند، آنها که در مسیرند در تیررس شیطانند؛ شیطان از چند راه نفوذ می‌کند، یکی از مهمترین راه‌های نفوذ شیطان تسویل است که از راه نفس «مسوله» می‌گیرد نفس مسوله غیر از نفس «اماره بالسو» است، اماره بالسو انسان را به بدی و می‌دارد و احيانا انسان می‌داند که او بد است، ولی می‌گوید یک لذت زود گذری دارد من انجام می‌دهم اما نفس مسوله این چنین نیست نفس مسوله تمام تلاش و کوشش‌اش آن است که بدترین کار را به صورت یک تابلوی زیبا در برابر دید انسان جلوه بدهد. انسان عمل بد را خوب ببیند وقتی بد را خوب دید خلاف دین را دین، به پای او می‌آیستد این کار «تسویل» است درجریان برادران یوسف علیه السلام تعبیر قرآن کریم این است «بل سولت لکم انفسکم امرا»⁽²¹⁾ یعنی نفس و ادارتان کرده که چاه انداختن یوسف یک عمل خوبی است این کار را انجام بدهند این خطر همیشه هست انسان طوری زندگی کند که باطل به صورت حق ظهور نکند و حق را به صورت باطل نبیند هنر است. و خدای متعال وعده حفظ آن تشکیلاتی را داد که حق را حق ببیند و باطل را باطل بنگرند و هر روز انسان باید حسابگر خویش باشد بیانی که از امام هفتم علیه السلام رسیده است که فرمود: «لیس منا من لم یحاسب نفسه کل یوم» کسی که خود را پای حساب نیاورد از ما نیست! در تمام

تصمیم گیرها _ طرحها _ نقشه کشیدن آنها _ اجرای آن امور طرح شده در همه حالات انسان سري به درون خويشتن بزند که آیا انگیزه در اثر آن تسويل است یا اطاعت حق، این خطر همیشه هست اگر کسی مواظب این خطر دروني نباشد خدای ناکرده عمري را بنام دين تلاش کرده و سرانجام با دست خالي مي‌رود! مگر نه آن است که ما باید خود را فدای دين کنیم، مگر نه آن است که راه را مشخص کردند به ما گفتند راه را ببینید و بپیمایید اگر ما از آن عامل نفوذی‌مان به نام نفس مسوله باخبر نباشیم او ما را مي‌فریبد مثل يك تابلو سازي که تمام آن اشیا زشت و قبیح را پشت تابلو گذاشته و يك قشر زیبایی را در برابر او گذاشته، انسان چهره زیبای تابلو را می‌بیند و از درونش غافل است کار نفس مسوله این است آنقدر عمیق است آنقدر دقیق و ظریف است که بسیاری از خطرات را در پشت پنهان می‌کند و يك قشري از دیانت رویش می‌کشد و به انسان نشان می‌دهد. این است که هر لحظه انسان خود را باید به خدای خودش بسپارد و تا امري برایش مسلم نشد نپذیرد و اقدام نکند لذا رسول الله صلي الله عليه و آله وسلم بارها عرض می‌کرد «الهي لاتكلني الي نفسي طرفه عين ابدأ» يك چشم به هم زدن ما را به حال خودمان وا می‌گذارد. اینکه الان می‌بینید دو ابر قدرت شرق و غرب در مقابل انقلاب اسلامي باختند، برای این است که ما جایی متکی هستیم که او حافظ ما است.

قرآن می‌فرماید هرگز شما شروع به جنگ نکنید که کسی را بیازارید بدو در حال عادی، ولي اگر جنگی بر شما تحمیل کردند ابدأ صلح تحميلي را نپذیرید چرا چون به يك حق انسان متکی است. فرمود: «فلاتهنوا وتدعوا الي السلم وانتم الاعلون و الله معكم»⁽²²⁾. هرگز وهن و سستی به خود راه ندهید و هرگز صلح تحميلي را هم نپذیرید. با اینکه هر دو ابر قدرت دنیای کنونی دارند انقلاب عظیم اسلامي را می‌گویند.

چرا انسان می‌گوید نه، برای اینکه انسان تا زنده است مسوول است و آن وقتی هم که شربت شهادت نوشید به جهان ابد و به پاداش ابدی می‌رسد، این می‌شود يك تشکیلات، عمده، تشخیص آن راه صحیح است و داشتن انگیزه‌های خوب است! به خواست خدا که امیدواریم این ارگان بتواند برتشخیص راه صحیح و پیمودن راه صحیح مصاب و مثاب باشد. هم به واقع اصابت کند و هم از ثواب و پاداش الهی برخوردار باشد. و هم خدای متعال او را از امدادهای غیبی خاص خودش برخوردار بفرماید. همه این برکات به وسیله رهبري‌های امام امت است. خدا به حق محمد و آل محمد علیهم افضل صلوات المسلمین ایشان را در سایه عنایت‌های ولي عصر «ارواحنا فداه» حفظ بفرماید و شهدای اسلام را با اولیای الهی محشور بفرماید و شهدای این حزب را هم با اولیای الهی محشور بفرماید. سایر خدمتگزاران و سایر شهدا و فرد فرد امت شهید پرور ایران را خدای متعال از امدادهای غیبی برخوردار بفرماید و شهدایشان را بیامزد، جانبازانش را شفا مرحمت کند همه و همگان را در پرتو عنایت‌های ولي عصر «ارواحنا فداه» موید و مظفر موفق و منصور بفرماید.

همان طوری که مستحضر هستی اولین کنگره حزب جمهوری اسلامي که از اندیشه‌های مصمم شهید مظلوم آیت الله بهشتی بود تشکیل می‌شود تا پیرامون اساسنامه و مرامنامه بحث کند، و اعضای شورای مرکزی را انتخاب نماید، نظر حضرت عالی در این مورد چیست و چه پیامی در این زمینه دارید؟

ما ضمن درخواست توفیق برای همگان استدعایمان این است که (نیازی به این تذکره نیست) اما خوب گفتند: «و ذکر فان الذکري تنفع المومنین»⁽²³⁾ تشکیل کنگره دور هم نشستن گردهمایی باید در همین محورهای باشد که عرض شده است یعنی اسلامي‌اندیشیدن و مسلمان بودن، هم انسان در اندیشه‌هایش خوب ببیند و هم از بازوان توانمندش آن فهمیده‌ها را خوب پیاده کند. قرآن کریم وقتی که انبیا را می‌ستاید می‌گوید اینها دارای دست و چشم بودند. وقتی ابراهیم و دیگران «عليهم السلام» را معرفی می‌کند می‌گوید «اولي الايدي و الابصار»⁽²⁴⁾ اینها دارای دستند، اینها دارای چشمند یعنی چشمشان چشم انسانی است، دیدشان دید انسانی است، دستشان دست انسانی است، مگر دیگران دست ندارند که ابراهیم دست دارد، مگر دیگران چشم ندارند که ابراهیم چشم ندارد که ابراهیم «سلام الله عليه» چشم دارد، چرا درباره این بزرگان می‌فرماید «واذكر عبادنا ابراهيم و اسحق و يعقوب اولي الايدي و الابصار»⁽²⁵⁾. اینها ایند که دارای دست و چشمند. آن دستی که از آستین دراز نمی‌شود و بت نمی‌شکند که دست نیست، آن چشمی که نمی‌بیند و نمی‌گوید «انی وجهت وجهي للذي فطر السموات و الارض»⁽²⁶⁾ که چشم نیست. قرآن همه افراد را نام می‌برد ولي می‌گوید اینها دست دارند و اینها چشم دارند، در کنگره باید این مسائل مطرح بشود که این حزب اولي الايدي و الابصار باشد این حزب سرمایه‌گذاری کرده است پیش خدا مسوول است، این حزب حزبی نیست که مانند دیگر احزاب نواخته و از زمین برخاسته باشد، حزبی است که از

متن اسلام برخاسته است. سنگین‌ترین خون را داد و نثار نهال اسلام کرد و آن خونهای پاک در قیامت از اعضای محترم حزب سؤال می‌کنند این چنین نیست که در هر عصری بتوان شهید مظلوم بهشتی تربیت کرد یا دیگر شهدایی که به خاک و خون کشیده شدند. این سرمایه عظیم برای همیشه محفوظ است اگر خدای ناکرده مسوولین حزب، علاقمندان حزب، مجریان این حزب، کمترین تخطی بکنند در برابر پر برکت‌ترین خونها مسوولند. این حزب تعدادی از «اولی الایدی و الابصار» را از دست داده است یعنی دست داشتند اینها چشم داشتند اینها، این همه افراد را در قرآن نام می‌برد نمی‌گوید اینها دست و چشم دارند، اما آن کسی که بت می‌شکند می‌گوید این دست دارد، این که خدا را می‌بیند با چشم دل، می‌گوید آن چشم دارد، «و کذالك نري ابراهيم ملكوت السموات والارض»⁽²⁷⁾ ما اگر می‌گوییم خط، خط امامت و امت است یعنی انسان باید اول بفهمد و دوم اینکه این فهمیده‌ها را درست پیاده کند.

انسان يك فهمي دارد و يك نیرو، با نیرو کار می‌کند با فهم درک می‌کند، با نیروی فهم می‌فهمد، با نیروی کار، کار می‌کند. به تعبیر اهل فن يك عقل نظري دارد و يك عقل عملي. با عقل نظري جهان بینی دارد، با عقل عملي آن جهان بینی را پیاده می‌کند، حزب باید هم نظرش بر محور حق باشد و هم عملش بر محور حق باشد تا بشود «اولی الایدی و الابصار».

کسی که دست دارد، دست دیگران را قطع می‌کند، خواه از شرق بیاید، خواه از غرب. کسی که دست ندارد تو سري خور است. چرا ابراهیم علیه‌السلام فاتح بود برای اینکه دست داشت چرا ابراهیم فاتح بود برای این که چشم داشت، دیگران چرا شکست می‌خورند برای این که دستی ندارند. کسی که دست ندارد چه حمایتی بکند. اینها «غلت اییدیم»⁽²⁸⁾ هستند. اینها دست بسته‌اند. آن کسی که بتواند در راه دین قدم بردارد او دارای دست باز است. آن کسی که حق را ببیند و بفهمد دارای چشم باز است. اینها را قرآن به عنوان «اولی الایدی و الابصار» می‌ستاید، یعنی درک اینها صحیح و جهان بینی اینها صحیح و عمل اینها صحیح است و درباره فهم صحیح کوتاهی نمی‌کنند «اولی الایدی و الابصار» هستند. امیدواریم محصول کنگره «اولی الایدی و الابصار» بودن باشد. چون بدانند برادران عزیز و دیگران که این حزب محترم سرمایه گذاریهای سنگینی کرده‌است، چه اینکه جبهه‌های جنگ ما سرمایه گذاریهای فراوانی کرده است و نهادهای انقلابی‌مان سرمایه گذاری فراوانی کرده‌اند. اصل انقلاب سرمایه های فراوانی را داده تا بتواند استوار باشد. همان طوری که انسان اگر يك سطل آبی را به پای درختی بریزد آن درخت را سرسبز می‌کند، خونی که به پای نهال انقلاب خود ریخت آن انقلاب را تثبیت می‌کند. قرآن می‌فرماید پولي که شما به عنوان انفاق در راه خدا مرحمت می‌کنید «تثبیتا من انفسهم»⁽²⁹⁾ مثل آبی است که پای درخت خود ریخته‌اید! الان این حزب خونهای پاکي به پای این درخت شکوفا ریخت، در زیارت وارث که به ما گفته‌اند مکررا زیارت وارث را بخوانید دستور رسیده‌است که بخوانید «طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم» سرزمینی که در آن شهید آرمیده است آن سرزمین پاک است و اگر سرزمین پاک شد از سرزمین پاک محصول پاک باید روئیده بشود چون «والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه»⁽³⁰⁾.

این برنامه‌های دینی خواه به صورت قرآن، خواه به صورت زیارت، خواه به صورت نماز جماعت، خواه به صورت مکه رفتن، همه و همه این تشکیلات با ویژگیش تبیین می‌کند. به ما گفتند در زیارت وارث بخوانید سرزمینی که شهید آرمیده پاک است. «طبتم وطابت الارض التي فيها دفنتم» این خونهای پاک شهید مظلوم و امثال ذالك ریخته نشد که خدای ناکرده ما در تشخیص اسلام ناب غفلت کنیم یا بعد از تشخیص دستمان باز نباشد. این خون در قیامت از ما مسئلت می‌کند سؤال می‌کند بازخواست می‌کند! هم در فرهنگ ما آمده‌است جائی که شهید در او خون داد آن جا پاک است. هم قرآن می‌گوید از سرزمین پاک باید میوه پاک بروید. «والبلد الطيب يخرج نباته باذن ربه» و چیزی را قرآن پاک می‌داند که راه مستقیم باشد و در محور حق باشد، چه آن حق از خدای متعال است. امیدواریم کنگره بر همین محور تشکیل بشود و بر همین محور برگردد و بازدهی هم بر همین محور داشته باشد. ان شاء الله خدا همه را تأیید کند و از امدادهای غیبی برخوردار بفرماید.

با پیران درد آشنا

اظهارات آیت الله خاتمی در مورد تشکیلات اسلامی و نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

اشاره:

طی مصاحبه‌ای که با آیت الله خاتمی نماینده امام و امام جمعه یزد انجام شد ایشان پیرامون ضرورت تشکیلات اسلامی و همچنین تشکیل نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی مطالبی به شرح زیر ایراد فرمودند:

درباره مسئله تشکیلات سخن گفتن بسیار مشکل است چرا؟ برای اینکه هر مسئله‌ای که بدیهی باشد استدلال کردن و توضیح دادن در اطراف آن مشکل است. برای اینکه بدیهی خودش واضح است! این مسئله هم از آن مسائل می‌باشد که آیا تشکیلات در اسلام لازم است یا نیست؟! جهت اینکه به نظر من شاید بدیهی ترین مسئله اسلامی این باشد که جامعه اسلامی ما باید تشکیلات داشته باشد جهت این جامعه به طور کلی و به خصوص حالا که مقصود ما جامعه اسلامی است این است که تمام مسلمین دارای هدف مشترکی هستند و شریعت اسلام بسیار تاکید کرده که باید اجتماع با هم همکاری داشته باشند و در امور اسلامی دخالت نکنند. کار به طور کلی اگر اجتماعی شد و اجتماعی در کار بود بدون تشکیلات اصلاً این کار به ثمر نمی‌رسد! بهترین مسئله‌اش مسئله خانواده‌است! تشکیلات یعنی وظیفه هر کسی مشخص بودن و ارجاع شدن هر کاری به هر شخصی. کار اجتماعی معنایش این است که تمام بیایند و کار معینی بکنند هرکس باید یک کاری بکند برای لزوم تشکیلات در اسلام که این معنی در زمان پیشوایان دین ما از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه ما این است که اجتماع مومنین را تشبیه کرده‌اند به یک بدن واحد. از اینجا ما می‌توانیم پی ببریم به خیلی مسائل خوب که یکی از خصوصیات بدن واحد این است که بدنی که مرتب از این اعضا و جوارح؛ عبارت از دست، سر، زبان، قلب، ریه، پا، انگشت. همه این اعضا و جوارح اینها یک نظم تشکیلاتی خیلی دقیق در این بدن است، منتها به طور طبیعی موجود است که دست وظیفه‌اش معین است چشم و گوش و زبان وظیفه‌اش معین است، قلب و ریه هم همین طور. و این تشکیلات اگر نباشد زندگی فردا به تباہی می‌کشد و برای اینکه دست اگر معلوم نباشد چه کاری بکند و چشم اگر معلوم نباشد که چه کاری بکند یا کار دست را چشم خواسته باشد انجام بدهد اصلاً اساس زندگی بر هم ریخته می‌شود و این اعضا در رساندن منفعت به این بدن و در دفع کردن ضرر از این بدن همه اینها همکاری می‌کنند تا این بدن آنچه مفید است به آن برسد و آنچه مضر است از آن دفع بشود تا این حیاتش را به سر ببرد و به آن غایت و مقصدی که حیاتش است برسد. اجتماع هم تشبیه شده به همین بدن، اجتماع مومنین همین است که مجموعه مسلمانان باید همکاری داشته باشند و هدف مشترک داشته باشند که مصالح اسلامی را ایجاد بکنند و مفسادی که برای اسلام ممکن است پیش بیاید آنها دفع بکنند. بنابر این باید نظم و ترتیب و تشکیلات در این جامعه باشد تا بشود همکاری میسر شود. هرکس اگر تکلیف خودش را نداند و معلوم نباشد که چه کار باید بکند، عالم چه کار باید بکند متخصص چه کار باید بکند. این باید تشکیلات و نظامی در کار باشد که وظیفه هرکس معین و هر کاری به کاردان آن سپرده شود. و هر کاری که مناسب هرکس است به او داده شود حالا ما اگر خواسته باشیم یک جامعه اسلامی داشته باشیم که بحمدالله تعالی در نتیجه انقلابی که کرده‌ایم و جمهوری اسلامی ما می‌خواهیم و می‌گوییم که همه مسلمانان حالا که ملت ایران انقلابی هستند اینجا باید سعی و کوشش بکنند که همه مسلمانان مفسادی که متوجه جامعه اسلامی شده آن را دفع بکنند و آنچه منافع جامعه اسلامی است جذب بکنند و سعی بکنند که احکام اسلامی در میان مردم جاری باشد. خوب اگر این تشکیلات نباشد و هر کس وظیفه‌اش معلوم نباشد میسر نیست! پس بنابراین هر هدف مشترکی اگر یک جامعه و یک گروهی و یک خانواده‌ای یک ملتی یک کشوری، حتی دنیا اگر خواست همکاری بکند و یک هدف مشترکی برای عده‌ای از مردم پیدا شد که خواستند به آن هدف مشترک برسند، باید یک نظم و ترتیب و تشکیلاتی در خودشان ایجاد بکنند که برای رسیدن به این هدف وظیفه هر کس مشخص باشد کاری که هر کس باید انجام بدهد مشخص باشد وقتش، زمانش، اشخاصش مشخص باشد این معنای تشکیلات است و این برای هر جامعه‌ای که هدف‌دار باشد و خواسته باشد که به آن هدفش برسد ناچار است

يك تشکيلات و نظمي در ميان خودش برقرار کند که در زير سايه آن تشکيلات کارها به نحو احسن انجام پگيرد. بنابراين لزوم تشکيلات در اسلام از روشن ترين مسائلي است که بايد باشد اکنون که بحمدالله جامعه اسلامي روي پاي خودش ايستاده کارهاي خودش را ميخواهد خودش انجام بدهد و هدفهاي عالي در نظر دارد مسلم بايد تشکيلاتي داشته باشد. نظمي در کار باشد تا اينکه بتواند به اين هدفهاي عالي خودش برسد.

آيت الله خاتمي در ادامه سخنانشان در رابطه باتشکيل نخستين کنگره حزب جمهوري اسلامي فرمودند:

تبريك ميگويم به اين سران جمهوري اسلامي و کليه اعضا حزب جمهوري اسلامي که بعد از 4 سال و اندي از تشکيلات اين جمهوري که تاکنون موفق نشده بود کنگره‌اي تشکيل بدهد، آنهم براي گرفتاريهايي که در سايه انقلاب پيش آمده بود. براي همه ملت ايران و به خصوص براي حزب اين توفيق حاصل نشده بود و حالا بحمدالله بعد از چهار سال و اندي توفيق برايش حاصل شده که اين کنگره را تشکيل بدهد. و اميدواريم که ان شاء الله (از باب پيام و نصيحت بنده عرض نميکنم از باب اينکه چون ما با تدبيرات و فکر و اندیشه هاي عالي که در سران و موسسين حزب جمهوري اسلامي سراغ داريم) آقايمان سعي بکنند اين کنگره به نحو احسن تشکيل بشود و با هم فکري و رويهم ريختن افکار عاليه که در سران حزب است و با شرکت دفاتري که در شهرستان است و مردم دانشمندی که يا به طور آزاد يا به طور عضو حزب به اين کنگره دعوت شده‌اند ان شاء الله سعي و کوشش بکنند اين تشکيلات حزب که خوب هم هست تا به حال، بر روي اساس و يك پايه بسيار محکمي آن را برقرار بکنند. ان شاء الله در زير سايه آن اساس محکم و آن ترتيباتي که خواهند داد آن طور که تا به حال قدمهايي که برداشته است در راه انقلاب ان شاء الله سريعتر و بهتر و بيشتر قدم بردارد.

فقط نکته‌اي که بايد عرض بکنم اين است که حزب جمهوري اسلامي حزب ملت ايران است. سعي و کوشش بايد بکند هم در عمل و هم در قول و هم در رفتار و طوري وانمود بکند که ملت مسلمان ايران واقعا حزب را مال خودش بدانند. مثل اينکه الان ملت ايران حکومت جمهوري اسلامي را از خود مي‌داند حزب جمهوري اسلامي هم طوري رفتار بکند و طوري تشکيلاتش را قرار بدهد که اين ملت حزب را متعلق به خودش بدانند و حزب هم مردم را به همين طور که بحمدالله تعالي تا به حال هدفهاي حزب همان هدفهاي ملت مسلمان بوده‌است و کارهايي را که انجام مي‌داده است همان کارها و خواسته هاي ملت بوده. بعد از اين بيشتر باشد. اميدوارم که ان شاء الله اين حزب هم بتواند بيش از پيش قدمهايي در اهداف انقلاب بردارد. ان شاء الله.

ضرورت اتحاد و تشکيلات در جامعه اسلامي

مصاحبه آيت الله رباني املشي درباره تشکيل اولين کنگره حزب جمهوري اسلامي

ايشان در پاسخ به اين سؤال که برگزاري کنگره اول حزب چه نتايجي براي حزب جمهوري اسلامي خواهد داشت؟ فرمودند:

رسميت کامل حزب پس از تشکيل کنگره و تصويب مواضع و اساسنامه و انتخاب اعضاي شوراي مرکزي ازطرف اعضاي کنگره برگزيده‌اعضاي حزب است و علي القاعده مي‌بايست اين امر خيلي زودتر از اين انجام مي‌گرفت.

موسسين حزب از ابتدا وعده مي‌دادند که هرگاه اعضاي حزب به 300 نفر رسيد، کنگره تشکيل مي‌شود. ولي استقبال غير منتظره مردم از حزب در روزهاي اول اعلام آن، و نام نويسي ميليوني در اين تشکيلات اسلامي از طرفي و حوادث و پيش آمدها و ناملايمات گوناگون و باز غيرمنتظره براي حزب و مسوولين آن از طرف ديگر، آن پيش‌بيني‌هاي اوليه را که هر وقت تعداد اعضا به 300 نفر رسيد، کنگره تشکيل شود به هم زد و تا امروز انجام اين امر مهم و تشکيل کنگره که رکن اساسي و

عالیترین مرجع صلاحیت دار حزب است به تاخیر افتاد. ولی بحمدالله امروز دیگر از هر جهت زمینه فراهم شده و با تشکیل کنگره، شورای مرکزی تصمیم گیرنده در مسائل مختلف که تا بحال انتصابی بوده، انتخابی می گردد و مواضع و اساسنامه حزب، قانونی می شود و در نتیجه با رسمیت شورای مرکزی و پیوند قلبی آن با مردم، اعتبار و انسجام حزب بیش از پیش خواهد شد و می تواند بهتر و قاطع تر از گذشته انجام وظیفه نماید.

آیت الله ربانی املشی در مورد نتایج این کنگره برای نظام جمهوری اسلامی اظهار داشتند: ما که معتقدیم اداره کشور بدون وجود تشکیلات امکان پذیر نیست و اصولاً پیدایش حزب جمهوری اسلامی برای انجام این وظیفه اسلامی بوده و شاید کمتر کسی باشد که عضویت حزب را برای رسیدن به مقاصد مادی انتخاب کرده باشد، پر واضح است که هرگاه حزب با رسمیت کامل و اعتبار بیشتر و پیوند محکمتر با مردم، قویتر و منسجمتر و در قلب جامعه ریشه دارتر شود، نظام جمهوری اسلامی از پشتوانه قویتری برخوردار گردیده است.

ایشان در خصوص تأثیر تشکیل کنگره در موضع مخالفین حزب فرمودند: تصور می کنم کسی از مخالفین حزب، اندیشه ضرورت تشکیلات را دریافت نکرده باشد و مخالفت ها عمدتاً برای رضای خدا و حفظ مصالح جمهوری اسلامی نیست، بلکه بیشتر مایه های مادی و خصلتی دارد.

امید است که این گونه افراد با تشکیل کنگره و رسمیت کامل این تشکیلات، مایوس شوند و دست از تلاش های بیجا بردارند و در عوض تخریب این تشکیلات اسلامی که عناصر مخلص و دارای حسن نیت در آن فراوان است و برقراری آن تا به حال برای جامعه ما خیلی مایه برداشت و بزرگترین تاوان را یعنی شهادت آیت الله بهشتی و 72 تن را تنها در یک شب تحمل نموده است، از این پس به انتقادات سازنده بپردازند و عیوب و نواقص آن را که یقیناً خالی از آن نیست مرتفع نمایند.

گام به گام در راه اتحاد

جایگاه، اهداف و برنامه های نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی

به قلم: برادر دکتر عبدالله جاسبی جانشین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی

سالهای نخست انقلاب شکوهمند اسلامی ایران و تاریخ سپری می شد و انتظار طولانی ملتی که ستم صدساله استعمارگران خارجی و حکام دست نشانده آنها را در داخل باتمام وجود لمس کرده بود به پایان می رسید.

مبارزات باشکوه و آشتی ناپذیر ملت ما علیه همه پایگاههای استکبار جهانی در این سرزمین به اوج خود می رسید و فرزندان دلیر و برومند اسلام برای شعله ور کردن آتش انقلاب از جان خود مایه می گذاشتند.

خاطرات صدر اسلام در مقیاسی بزرگتر و در سطحی گسترده تر ولی با همان عمق و عظمت زمان پیامبر زنده می گشت و در گوشه ای از جهان که زمانی پایگاه و مرکز توطئه های شیطان بزرگ و استعمارگران بود، شکوفه های انقلاب سر می زد تا آنجا را به کانون امید و قبله آمال همه محرومین و مستضعفین زمین بدل کند و سرانجام در بهمن ماه سال 57 جهاد مقدس توده های میلیونی در پرتو تعالیم قرآن و در سایه رهبریهای بت شکن بزرگ قرن حضرت امام خمینی به ثمر رسید و حکومت اسلامی ایجاد شد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران سرآغاز دوران نوینی در تاریخ بشریت بود، از برکت اسلام و وحدت و اتحاد مردم زنجیرهای آهنین استعمارگران شرق و غرب و در راس آنها آمریکا از هم گسست. مردم ایران همچون تشنگانی که پس از چهارده قرن بار دیگر به سرچشمه زلال هستی دست یافته اند به اسلام پناه آوردند و دعوت رهبری انقلاب اسلامی را برای تحقق اهداف اسلامی لبیک گفتند. ندای حق طلبی ملت بزرگ ما در سرتاسر منطقه و جهان طنین انداخت و کاخهای ظلم و ستم را در تمامی کشورهای اسلامی به لرزه درآورد.

استعمارگران که دیگر یارای مقاومت در مقابل حرکت توفنده این ملت را نداشتند و ایستادن در مقابل امواج خروشان انقلاب را بیهوده می‌پنداشتند کوشیدند تا از تجربه گذشته خود در این سرزمین بهره گیرند و بار دیگر بر موج انقلاب سوار شوند و تلاش و جهاد مقدس این امت را بدین ترتیب با استفاده از ضعف سازماندهی و تشکیلات با شکست مواجه سازند.

احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های ضداسلامی با کمک و همکاری استعمار و استکبار جهانی همچون قارچ رویدند تا صفوف یک پارچه ملت ما را درهم بشکنند و در سایه ضعف تشکیلاتی آنها را قطعه قطعه کرده به جان یکدیگر بیاندازند و زمینه را برای اشغال مجدد سرزمین ایران و تاراج همه منابع انسانی و مادی آن آماده سازند. اما این بار تنها نیروهای استعمارگر نبودند که از تجربه گذشته بهره می‌گرفتند بلکه مسلمانان متعهد و مبارز و در راس آنها روحانیت آگاه که از کوران مبارزات سی سال گذشته به خصوص بعد از قیام خونین 15 خرداد بیرون آمده بودند نیز از تجربه گذشته درس‌های لازم را فرا گرفته بودند و می‌دانستند که چگونه در غیاب یک تشکیلات اسلامی نیروهای انقلابی و مومن منزوی شده و یا جذب سازمان‌ها و احزاب منحرف می‌شوند و انقلاب از حمایت توده‌های مردم محروم و یا از خط اصیل اسلام منحرف می‌گردد. نطفه این تشکیلات اسلامی از مدت‌ها قبل بسته شده بود و برای اعلام آن پس از پیروزی انقلاب زمان مناسب فرا رسیده بود. زیرا دیگر ترس از اینکه اعلام موجودیت تحزب احتمال شکاف در بین نیروهای انقلاب را برای سرنگونی حکومت دست‌نشانده داشته باشد از بین رفته بود و دیگر نه حزب بلکه فقدان حزب بود که صفوف یک پارچه امت را از هم می‌شکافت، در چنین شرایطی و با چنین زمینه‌ای حزب جمهوری اسلامی به عنوان یک تشکیلات صد در صد اسلامی اعلام موجودیت کرد.

استقبال بی نظیر مردم قهرمان ایران از حزب جمهوری اسلامی مهر تاییدی بود بر این باورها که شرط تداوم این انقلاب وجود یک تشکیلات است که اساس عقیدتی آن اسلام باشد و بتواند در مقاطع و مراحل مختلف این نهضت عظیم الهی مشی درست و دقیقی را ارائه دهد. تشکیلاتی که از یک انضباط قوی برخوردار بوده و پیوند فشرده خود را با توده‌های جامعه به خصوص توده مستضعف حفظ نماید.

اکنون بیش از چهار سال از آن زمان می‌گذرد و در این مدت حزب جمهوری اسلامی فراز و نشیب‌های زیادی را پشت سرگزارده است. در این دوره شبکه تبلیغاتی شرق و غرب و ایادی و مهره‌های داخلی آنها این حزب و شخصیت‌های برجسته آن را زیر بمباران تهمت‌ها و ناسزاها گرفته و از هیچ اهانت و برچسبی فروگذار نکردند.

امواج تبلیغاتی ضدانقلاب در این دوره از تاریخ ما بهترین سند مظلومیت این حزب و رهبران آن می‌باشد و گفته‌ها و نوشته‌های این برهه از زمان افشا کننده چهره‌هایی است که می‌کوشیدند تا با استفاده از انواع پوشش‌های اسلامی و مردمی مجموعه این تشکیلات را زیر سؤال برده و آن را به یک ضد ارزش تبدیل کنند.

در این شرایط سخت که تبلیغات جهنمی ضدانقلاب از یک طرف و کج اندیشی دوستان ناآگاه از طرف دیگر بار سنگینی را بردوش حزب قرار داده بود و تحمل آن نه تنها نیاز به ایثار مال و جان بلکه نیاز به تقدیم حیثیت و آبرو برای انقلاب داشت، این تشکیلات اسلامی یک لحظه مسائل مربوط به استقرار حکومت اسلامی و وظایف سنگینی را که در این رابطه بر عهده داشت فراموش نکرد و بیشترین بخش از نیروهای راکه مسئولیت مدیریت جامعه را به عهده گرفتند تأمین کرد. مبارزه حزب جمهوری اسلامی در یک جبهه و با یک گروه نبود چرا که همه گروه‌ها و سازمان‌های ضداسلامی و منحرف و تمامی نیروهای استعمارگر پیروزی خود را در نابودی حزب می‌دیدند. همان زمانی که حزب در جبهه تبلیغاتی امواج تبلیغاتی ضدانقلاب و استکبار جهانی را با قوای تبلیغاتی محدود خود به عقب می‌راند و ریشه‌های یاس و ناامیدی را در دل‌های مردم ما می‌خشکاند، در جبهه فرهنگی مراقب حرکات مذبوحانه گروهک‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها و کارخانجات و مزارع بود و اعمال زشت و ضدانسانی آنها را برای مردم مسلمان افشا می‌کرد و تلاش ضدانقلاب را برای تضعیف نهادهایی که از متن انقلاب برخاسته بودند و بازوهای پرتوان انقلاب به شمار می‌رفتند، خنثی می‌کرد. همزمان با آن در جبهه نظامی مردم قهرمان ایران را به شرکت در بسیج همگانی و آموزش‌های نظامی تشویق می‌کرد و در حمایت از نیروهای نظامی و انتظامی اعم از کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی کوچکترین تردیدی به خود راه نمی‌داد. در جبهه سیاسی، حزب وظیفه خود می‌دانست که حافظ ارزش‌های نوین انقلاب همچون «شعار نه شرقی، نه غربی» باشد و... در مقابل هرگونه سازش با غرب و یا انحراف به سوی شرق بایستد و از هویت و ارزش‌های والای اسلامی انقلاب پاسداری کند و خطوط انحراف را که سرانجام آن سازش با شرق و غرب بود برای مردم انقلابی ما روشن نماید.

درگیری حزب جمهوری اسلامی با نیروهای ضدانقلاب در چند جبهه سبب شد که آنها در بعضی از جبهه‌ها پیشروی کرده و پایگاههایی به وجود آورند و بخشی از حکومت جمهوری اسلامی را اشغال نمایند. استکبار جهانی در این مرحله حساس از انقلاب به کمک ضد انقلاب داخلی و تمامی نیروهای می‌آید که در مقابل نیروهای خط امام و بازوی پرتوان آن حزب جمهوری اسلامی ایستاده‌اند. ارتش متجاوز بعثی صهیونیستی به دستور امریکایی جهانخوار و با سلاحهای مدرن تمامی قدرتهای شرق و غرب هجوم گسترده‌ای را آغاز می‌کند و حزب جمهوری اسلامی همراه امت حزب الله در کنار تلاش و مبارزه همه جانبه خود در جبهه نظامی نیز شرکت می‌نماید و رهبران این تشکیلات اسلامی تمام توان خود را به کار می‌گیرند تا نگذارند فشار نظامی راه را برای به سازش کشیدن انقلاب توسط سازشکاران هموار سازد. استعمارگران که در میان آتش جنگ کینه‌توزانه خود علیه ایران اسلامی تعمیق انقلاب را نیز می‌بینند و بسیج توده‌های میلیونی برای حراست از انقلاب عظیمشان آنها را به وحشت انداخته است، طرح دیگری نیز در داخل کشور و توسط منافقین وابسته به استکبار جهانی به اجرا در می‌آورند و آن ترور شخصیتها است. استعمارگران که از وسعت نهضت مردم ما و نفوذ در حال فرونی حزب جمهوری اسلامی به وحشت افتاده بودند، خود را مجبور دیدند به وحشیانه‌ترین اقدامات تروریستی دست بزنند، به این امید که انقلاب اسلامی را سرکوب و حزب جمهوری اسلامی را نابود سازند. اوج این اقدامات تروریستی و ضدانسانی انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی است که در آن 73 تن از بهترین فرزندان این انقلاب و شخصیتهایی چون شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی در حالی که بار سنگین مسوولیت جامعه را بردوش و بخش عظیمی از تبلیغات مسموم دشمنان را بر قامت رسای خود تحمل می‌کردند، به خاک و خون می‌غلطند و در آتش نفاق و کینه ضدانقلاب داخلی و استکبار جهانی می‌سوزند. حادثه دلخراش هفتم تیرماه سال 60 اگر نیروی ارزشمندی از انقلاب و مردم ما را گرفت اما با خون پاک آنها بسیاری از توطئه‌ها را خنثی کرد و جو کاذب و دروغین تبلیغاتی را شستشو داد.

و سرزمین انقلاب اسلامی و حزب جمهوری اسلامی را آبیاری کرد و حقانیت و مظلومیت این تشکیلات اسلامی را مبرهن ساخت و به دنبال آن انفجار نخست وزیری و شهادت دومین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی⁽³¹⁾ سیمای معنوی و آمیخته با شهادت این حزب را در معرض نمایش جهانیان قرار داد و زمینه را برای تعمیق انقلاب و تقویت حزب جمهوری اسلامی فراهم ساخت. از آن شهادت‌ها و ایثارها تا امروز که در آستانه تشکیل نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته‌ایم مردم ما بارها و بارها رشد خود را برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی با حضور یکپارچه خود در صحنه‌های اجتماعی همچون شرکت در انتخابات و نمازهای جمعه نشان داده‌اند.

اکنون که حزب جمهوری اسلامی پس از طی کردن مراحل مختلف رشد و سازماندهی با تجربه‌ای از کار تشکیلاتی چهار ساله و در سایه زحمات و تلاشهای شبانه روزی برادران و خواهران حزبی در سرتاسر ایران اسلامی مقدمات لازم را برای تشکیل نخستین کنگره خود فراهم کرده، مناسب است در این مقطع نگاهی کوتاه به جایگاه و اهداف کنگره، برنامه‌های آن، نحوه برگزاری آن و نتایج مورد نظر از آن بیاندازیم.

کنگره بالاترین مرجع و رکن حزب می‌باشد که در آن منتخبین حزب در سرتاسر ایران به نمایندگی از طرف همه اعضای حزب شرکت می‌نمایند.

چنین جمعی انعکاس خواسته‌ها و تبلور اراده مجموعه حزب بوده و رای و نظر آن دیدگاه تمامی حزب محسوب می‌شود. کنگره حزب به تمامی ارکان و شبکه تشکیلاتی حزب رسمیت و اعتبار می‌دهد و حزب را از شکل موقت آن به صورت یک تشکیلات پویا و برخاسته از اراده تمامی افراد حزب درآورده و آن را به شکل جدیدی وارد جامعه و تاریخ می‌سازد.

وجود کنگره نه فقط برای چند روز بلکه به مدت دو سال تا تشکیل کنگره بعدی به عنوان یک رکن ناظر بر تمامی حرکات و فعالیتهای حزب است، نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا این نه تنها نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی بلکه اولین مجمع بزرگ یک تشکیلات اسلامی است که در تاریخ نظیر آن با این ویژگیها هرگز وجود نداشته است و این نخستین تجربه یک تشکیلات اسلامی است که چهار سال پرماجرا از اعلام موجودیت علنی خود را پشت سرگذاشته و خونهای مقدس و گرانبهای در پای آن و به خاطر آن ریخته شده‌است و ارواح پاک مقدس همه آن شهدا ناظر بر رفتارها و گفتارهای این حزب و این کنگره می‌باشد. و این بار سنگین را امروز همه شرکت کنندگان در کنگره به خصوص اعضای آن بایستی احساس کرده و به راستی نگرهبان همان اصالت‌ها و معنویت‌ها و ارزشهایی باشند که موسسین و بنیانگذاران این حزب با اعتقاد به آن به فکر تاسیس چنین حزبی افتادند.

وظائف نخستین کنگره با توجه به گذشت چهار سال از تشکیل آن و پیچیدگی و تنوع مسائل انقلاب سنگین و دشوار می‌باشد و در این مقاله به اختصار آنها را بیان می‌کنیم:

1- تصویب اساسنامه حزب که اصول حاکم بر تشکیلات را بیان کرده و ساختمان تشکیلاتی حزب را نشان می‌دهد و هر نوع شکل سازمانی، جریان تصمیم‌گیری و قبول مسوولیت و گسترش و تعمیق حزب بایستی در چهارچوب این اساسنامه انجام پذیرد.

از تهیه اساسنامه حزب جمهوری اسلامی توسط موسسین حدود چهار سال و نیم می‌گذرد و در این مدت برادران و خواهران حزبی در جریان عمل به نقاط ضعف و قوت آن پی برده‌اند و گروهی با استفاده از این نقاط قوت و ضعف و تجربه تشکیلاتی چهار سال گذشته تغییراتی را که لازم می‌دانستند، تهیه و پس از بحث و بررسی و تصویب شورای مرکزی حزب همراه با اساسنامه اصلی به عنوان پیشنهاد تقدیم کنگره می‌نمایند.

کنگره حزب تنها مرجعی است که حق تصویب اساسنامه یا هر نوع تغییر در آن را دارد.

2- مرامنامه و مواضع حزب که تکیه‌گاه اصلی حزب در برخورد با آرا و عقاید و اندیشه‌ها است و معیار سنجش درجه حزبی بودن افراد و حزبی عمل کردن آنها می‌باشد. مرامنامه و مواضع که یکی به اختصار و دیگری به تشریح بیان دیدگاهها و مواضع حزب در زمینه های عقیدتی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است، بر پایه اسلام فقه‌ای و توسط تعدادی از برادران موسس که دو نفر از آنها به ملاء اعلا پیوسته‌اند، در سال 59 تهیه شده و در طول این مدت مورد بحث و بررسی قرار گرفته و در حوزه‌های حزبی تدریس شده‌است.

اکنون که درآستانه تشکیل کنگره قرار داریم گروهی با مسوولیت یکی از همان برادران موسس بار دیگر مواضع را مورد بازبینی قرار داده و تغییراتی را که لازم می‌داند همراه با کتاب مواضع تقدیم کنگره حزب خواهد کرد تا کنگره نسبت به بررسی و تصویب آن اقدام نماید.

3- تهیه و تصویب رؤس برنامه دو ساله آینده به طوری که شورای مرکزی منتخب کنگره بتواند براساس آن حرکت کرده و نسبت به آن در مقابل کنگره مسوول و یا پاسخگو باشد.

4- تهیه و تصویب آیین نامه‌هایی که لازم است به تصویب کنگره برسد و عبارتند از:

آیین نامه اداره کنگره

آیین نامه انتخابات شورای مرکزی و شورای داور

آیین نامه داور و انضباطی حزب

آیین نامه نحوه تعیین اعضای کنگره بعدی

5- انتخابات اعضای شورای مرکزی که مسوولیت رهبری حزب را در طول دو سال آینده برعهده

دارند و نسبت به همه مسائل حزب در مقابل کنگره مسوول خواهند بود.

در انتخابات اعضای شورای مرکزی قبل از هرچیز بایستی تقوی و بینش اسلامی مد نظر قرار گیرد. افرادی که در گذشته صداقت و ایمان خود را به انقلاب اسلامی و اعتقاد خود را به حزب جمهوری اسلامی به عنوان يك تشکیلات اسلامی به ثبوت رسانده باشند.

افرادی که حزب را تنها وسیله‌ای برای حفاظت و حراست و پاسداری از ارزشهای اسلام و انقلاب اسلامی دانسته و در این راه مسوولانه و متعهدانه تلاش و کوشش نمایند.

افرادی که آماده‌اند تا بخش مهمی از وقت روزانه خود را در حزب جمهوری اسلامی صرف کرده و این امر را به عنوان يك وظیفه اسلامی تلقی کنند.

افرادی که از جنبه‌های مختلف علمی صلاحیتهای لازم را برای هدایت يك تشکیلات سرتاسری و گسترده اسلامی داشته و به صورت يك مجموعه هماهنگ، منسجم، معتقد و ایثارگر در خدمت سازماندهی امت حزب الله قرار گیرند.

افرادی که هر گاه دیگران را در اجرای این کار و برنامه دارای صلاحیت بیشتری دیدند، بدون

هیچگونه تامل و تاخیری مسوولیت را به آنها تقدیم می‌کنند و خود در کنار آنها تلاش می‌نمایند.

افرادی که اخلاق اسلامی در زندگی آنها و رفتار و گفتار آنها متجلی است.

6- انتخاب اعضای شورای داور که علاوه بر صفات و ویژگیهای شورای مرکزی بایستی دارای

شرایط لازم برای قضاوت بوده و توانایی به عهده گرفتن مسوولیت سنگین قضا را داشته باشند.

نتایجی که این کنگره خواهد داد نه تنها در سرنوشت حزب که در سرنوشت انقلاب تاثیر فراوانی خواهد گذارد و حزب جمهوری اسلامی و ارکان آن را تثبیت خواهد کرد و حرکت حزب را به يك حرکت نظام یافته و تأیید شده توسط همه دست اندرکاران حزب تبدیل خواهد کرد.

بدان امید که تمامی اعضا و طرفداران حزب جمهوری اسلامی به برکت نخستین کنگره حزب هم

زمان با تمامی امت حزب الله صفوف سرشار از اعتقاد خود را باز هم فشرده‌تر سازند.

بدان امید که هم زمان با جنگ تحمیلی استکبار جهانی، در تمامی جبهه‌ها انسجام و اتصال

پیوندهای خود را محکم کنیم و شبکه تشکیلات اسلامی خود را هرچه بیشتر گسترش دهیم و بار دیگر ثبات جامعه انقلابی اسلامی خود را در میان امواج فتنه و توطئه‌های استکبار جهانی شرق و غرب به نمایش بگذاریم.

و بدان امید که پاسداری خود را از خون همه شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی به خصوص شهدای هفتم تیر و اهدافی که این خونها برای آنها ریخته شد اثبات نماییم.

و بدان امید که با نظم و اخلاق اسلامی خود، نمای دیگری از تجمع اسلامی را در معرض دید جهانیان قرار دهیم.

تشکل و ایثار

سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی

«ما برای حزب جمهوری اسلامی موفقیتی جدا از موفقیت انقلاب اسلامی و ملت ایران قائل نبوده و نیستیم»

حضرت آیت الله خامنه‌ای

در آستانه تشکیل اولین کنگره حزب جمهوری اسلامی قرار داریم. این رویداد مهم، علاوه بر آنکه نقطه عطفی است در تاریخ انقلاب اسلامی و در تاریخ تشکلهای و در تاریخ ایران، فرصت مناسبی نیز است برای نگرشی دیگر بر ویژگیهای حزب جمهوری اسلامی که برگزاری نخستین کنگره گام بزرگی در جهت انسجام هرچه بیشتر آن خواهد بود.

از میان ویژگیهای فراوانی که حزب جمهوری اسلامی دارد، مهمترین آنها را در این مقاله وجه همت خود قرار می‌دهیم بدان امید که بتوانیم جداگانه به سایر ویژگیها نیز بپردازیم.

حزب جمهوری اسلامی در عمل به اثبات رسانده است که «تشکل ایثار» است. این ویژگی را حزب جمهوری اسلامی از مکتبی دارد که برای پاسداری از آن تشکیل شده است. تاریخ اعلام موجودیت حزب جمهوری اسلامی يك هفته پس از تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی بود (29 اسفند 1357).

طبعاً می‌بایست اولین کنگره این حزب حداکثر در بهار 1358 تشکیل شود. ولی شاهد هستیم که چنین نشد و این کار به جای اولین بهار آزادی اکنون در پنجمین بهار آزادی در حال انجام است. پاسخ به این سؤال که، چرا این کنگره این همه به تأخیر افتاد؟ در واقع بیان مهمترین ویژگی حزب جمهوری اسلامی است.

پاسخ این است که حزب جمهوری اسلامی برای خود وظیفه‌ای سنگین تر از پاسداری از ارزشهای انقلاب اسلامی که همان پاسداری از اسلام اصیل فقه‌ای است نمی‌شناسد. و طبیعی است که در راه انجام این وظیفه همواره برای موجودیت انقلاب به چنان اولویتی معتقد است که به هنگام ضرورت تا مرز فدا کردن خود نیز به پیش برود. بر همین اساس، حرکت حزب جمهوری اسلامی از ابتدای تأسیس تاکنون صرفاً در جهت حراست از انقلاب اسلامی بوده و به مقتضای نیازی که انقلاب به این حزب داشت و به مقتضای دینی که بنیانگذاران و نیروهای کارآمد این حزب نسبت به انقلاب بر عهده داشتند، همواره کلیه امکانات این حزب در خدمت انقلاب قرار داشت. حزب جمهوری اسلامی اقتضای دارد که در انجام انتخابات خبرگان قانون اساسی جمهوری اسلامی، همه‌پرسی قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات خبرگان رهبری و حتی در انجام راه پیمائیهایی که به نحوی برای پاسداری از انقلاب اسلامی ضروری یا مفید تشخیص داده می‌شدند حق تقدم داده، و ضروری ترین کار خود یعنی تشکیل کنگره را به مرحله بعد از انجام کارهای لازم برای انقلاب موکول کرده است. حزب جمهوری اسلامی در عمر چهار سال و چند ماهه خود با حضور فعال در صحنه از هیچ تلاشی برای تحقق آرمانهای انقلاب اسلامی در کلیه مراحل آن

دريغ نورزيد و در مهمترين مرحله آن يعني تصفيه انقلاب از عناصر نفوذی وابسته به استکبار جهاني که به انقلاب سوم معروف شد دو تن از موسسين خود (شهيد مظلوم آيت الله دکتري بهشتي و شهيد حجت الاسلام والمسلمين دکتري باهنر) را که استوانه هاي عظيم علم و تقوي و مبارزه و خلوص طهارت روح بودند به همراه تعدادي از اعضا شوراي مرکزي و ديگر نيروهاي کارآمد خود فدای اين انقلاب الهي کرد.

اين ويژگي که حزب جمهوري اسلامي را به آن درجه از لياقت و شايستگي رسانده است که بتواند نام «تشکل ايتار» را بر خود داشته باشد، مهمترين ويژگي اين حزب است. اين ويژگي را حزب جمهوري اسلامي به عنوان بزرگترين امتياز براي هميشه حفظ خواهد کرد زيرا همانگونه که حضرت آيت الله خامنه اي (رئيس جمهور و ديرکل حزب جمهوري اسلامي) در مصاحبه خود فرمودند: «ما براي حزب جمهوري اسلامي موفقيتي جدای از موفقيت انقلاب اسلامي و ملت ايران قايل نبوده و نيستيم.»

دقيقا به دليل همين ويژگي است که حزب جمهوري اسلامي از ابتدای تاسيس با توطئه هاي رنگارنگ دشمنان انقلاب اسلامي مواجه بوده و هم اکنون نيز اين توطئه ها در شکل هاي گوناگون ادامه دارد. تلاش گسترده تبليغاتي شيطان بزرگ امريکاي جهانخوار و ديگر قدرتهاي شيطاني و به موازات آن تلاشهاي گروهکهاي وابسته به استکبار جهاني و ليبرالها براي به انزوا کشاندن حزب جمهوري اسلامي چيزي نيست که تاريخ اين انقلاب آن را فراموش کند. اين تلاشها که هم اکنون نيز در قالبهاي تازه تري (از جمله شايعه وجود اختلاف ميان رهبران حزب و يا توطئه جداکردن آنها از حزب) به عمل مي آيد و متاسفانه از سوي برخي از ناآگاهان نيز دامن زده مي شود هرگز کارگر نيفتاده و به خواست خدا با تشکيل اولين کنگره و انسجام هر چه بيشتر حزب، صاحبان اين نغمه ها براي هميشه مايوس خواهند شد و حزب جمهوري اسلامي پرتوان تر از گذشته به حرکت پرافتخار خود براي پاسداري از دستاوردهاي انقلاب شکوهمند اسلامي ادامه خواهد داد.

تعميق اندیشه ضرورت تشکيلات

سرمقاله روزنامه جمهوري اسلامي

«در هر مقطعي که يك نهضت اسلامي به رهبري روحانيت و مسلمانها آغاز شده انچه مسلمانها را زجر داده و عقب انداخته، نداشتن تشکيلات و متشکل بودن نسبي دشمنان بود»

آيت الله هاشمي رفسنجاني

اين تصور که حزب جمهوري اسلامي اکنون در پنجمين سال فعاليت خود، مظلوم نيست، تصور نادرستي است. حوادث تلخ ولي آموزنده هفتم تير و هشتم شهريور و امثال آن صرفا توانستند ثابت کنند که حزب جمهوري اسلامي مظلوم است ولي هرگز نتوانستند کاري کنند که اين مظلوميت از بين برود. البته اين نکته را بايد پذيرفت که در پي اين حوادث، شکل و شيوه ظلمهايي که به حزب جمهوري اسلامي مي شد تغيير کرده و به گفته آيت الله هاشمي رفسنجاني، آنهايي که در روزهاي اول تولد حزب جمهوري اسلامي آنقدر هياهو کردند و دفتر حزب را منفجر کردند و آن همه شهيد از ما گرفتند و آن همه اهانت به شهيد بهشتي روا داشتند و ما را مورد تعرض همه گونه اتهامات قرار دادند اکنون در شکل و لباس و شيوه جديد برخورد مي کنند. اينکه حزب جمهوري اسلامي مظلوم باشد و همچنان مظلوم بماند، براي کساني که اين حزب را تاسيس کردند و همچنين براي کساني که در چهارسال گذشته عليرغم همه فشارها و نشيب و فرازها در اين تشکل اسلامي باقي ماندند قابل تحمل و حتي مورد انتظار است، اگر قرار بود آنها به خاطر مخالفتهايي که تاکنون با اين تشکيلات اسلامي شده و در آينده خواهد شد نسبت به کار بزرگي که به آن دست زده اند مايوس شوند، هرگز اقدام به چنين کاري نمي کردند. موسسين اين تشکيلات اسلامي هر کدام عصاره يك عمر مجاهدت در راه خدا بوده و کساني که از آن جمع باقي مانده اند هر کدام در وجود خود مجموعه اي هستند از تجربيات گران قيمت مبارزه براي به ثمر رساندن يك انقلاب و مقاومت و صبر انقلابي در برابر توطئه ها

و تحریکات و تخریب های ضدانقلاب، بنابراین ادامه مظلومیت حزب جمهوری اسلامی نه تنها مشکلی برای این حزب به وجود نمی‌آورد بلکه بدنه آن را آبدیده‌تر، با تجربه‌تر و مقاوم‌تر نیز خواهد کرد. در این زمینه آنچه مهم است این است که اگر سمپاشی‌های مخالفین ضربه‌ای به همراه داشته باشد این ضربه مستقیماً به «نهضت اسلامی» چه در داخل ایران و چه در خارج از این کشور وارد خواهد شد. زیرا مخالفین از آنجا که نمی‌خواهند مخالفت مستقیمشان با حزب جمهوری اسلامی آنها در ذهن مردم در ردیف بنی‌صدر و منافقین و لیبرالها و دیگر گروهها قرار دهد، تلاش می‌کنند به جای انتقاد مستقیم به این حزب، با اندیشه ضرورت تشکیلات مبارزه کنند که خطر اصلی هم در همین جاست.

کسانی که اندیشه ضرورت تشکیلات را منکر می‌شوند و تلاش می‌کنند در هر فرصت علیه این اندیشه سمپاشی نمایند، به دو گروه تقسیم می‌شوند: دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه. واقعیت این است که این هر دو گروه با تیشه‌ای که در دست دارند، ریشه انقلاب را هدف قرار داده‌اند. توضیح این نکته را خوبست از زبان آیت الله هاشمی رفسنجانی بشنویم که گفتند: «جامعه ما یکی از کمبودهای بسیار مهم چشمگیری همین کمبود تشکیلات کاملاً اسلامی است که این کمبود در سرتاسر تاریخ ما به چشم می‌خورد. مخصوصاً در این یکصدسال اخیر که خیلی از مسلمانها و روحانیت درگیر بودند و همیشه منشا حرکت‌های صحیحی می‌شدند و حرکت‌ها عقیم می‌ماند و یا دشمنان بعدها از آن سوء استفاده می‌کردند و فرصت طلب‌ها از زحمات مسلمانها و روحانیت استفاده می‌کردند. آدم وقتی که این تاریخ یکصد و ده بیست ساله گذشته از زمان مرحوم سید جمال الدین تا حالا را می‌خواند، می‌بیند که در هر مقطعی که يك نهضت اسلامی به رهبری روحانیت و مسلمانها آغاز شده آنچه مسلمانها را زجر داده و آنها را به عقب انداخته نداشتن تشکیلات و پراکنده کاری و متشکل بودن نسبی دشمنان بود...»

کار بزرگی که حزب جمهوری اسلامی تاکنون با تحمل همه فشارها و ایستادگی در برابر همه توطئه‌ها انجام داده این است که توانسته است اندیشه ضرورت تشکیلات را به عنوان اندیشه‌ای که در نظام ارزشی انقلاب اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای است تثبیت کند، و بدین ترتیب، انقلاب اسلامی را از خطری که در اثر فقدان تشکیلات اسلامی همواره در کمین نهضت‌های اسلامی بوده است دور نگه دارد. این کار، با بهائی بسیار سنگین که شهادت شهید مظلوم آیت الله بهشتی بخشی از آن است صورت گرفت و تشکیل نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی نشانه عزم راسخ این حزب و بنیانگذاران آن بر ادامه این راه و تعمیق هرچه بیشتر اندیشه ضرورت تشکیلات در جامعه اسلامی ما و در میان همه ملت‌های مسلمان است. نحوه برخورد حزب جمهوری اسلامی با کسانی که بر سر ادامه این راه سنگ اندازی می‌کنند و عزم جزم این حزب برای ادامه راهی که برگزیده‌است با بیانی رسا در مقاله‌ای به قلم دبیرکل محترم حزب به نگارش درآمده که چنین است: «از آغاز دو گروه با این هدایت به مقابله برخاستند: دشمنان آگاه و دوستان ناآگاه، دشمنانی که نقش چنین تشکلی را درک می‌کردند و دوستانی که این نقش را درک نمی‌کردند. حزب با این هر دو گروه برخوردی مناسب کرد. دشمنان را افشا کرد و دوستان را تا آنجا که می‌توانست به حقیقت امر آشنا ساخت. بی شک نمی‌توان ادعا کرد که آن مخالفت‌ها پایان یافتند و به همین دلیل آگاه سازی هنوز برای حزب يك وظیفه بزرگ و اساسی است.»

امید آنکه حزب جمهوری اسلامی همواره در انجام این وظیفه بزرگ الهی موفق باشد و نخستین کنگره این تشکیلات اسلامی بتواند زمینه ساز تلاش بیشتری برای به‌انجام رساندن این رسالت باشد.

معبد بهشتی

سرمقاله روزنامه جمهوری اسلامی

«حزب، برای من يك معبد است»

شهید مظلوم آیت الله بهشتی

میان این دو طرز تفکر که یکی حزب و سازمان و تشکیلات را دفتر کاری برای جلب مشتری و تکاثر قدرت وعده‌ای به منظور در دست گرفتن حکومت و ریاست داشتن بر مردم می‌دانند و دیگری آن را يك معبد که مانند مسجد جایگاهی است برای ذکر خدا و ذکر هر چیزی با نام خدا و یاد خدا و درجهت رضایت خدا و به منظور متحد و متشکل ساختن خلق خدا و کسب توانائی کافی برای پیاده کردن

احکام دین خدا، تفاوت بسیار وجود دارد. این تقسیم بدان معنی نیست که احزاب منحصر در این دو نوعند. انواع دیگر احزاب از جمله احزابی که کارشان جاسوسی برای دیگران است مثل حزب خائن توده و احزابی که براساس تزویر تشکیل می‌شوند مثل حزب آمریکایی خلق مسلمان و احزابی که براساس نفاق تشکیل می‌شوند مثل سازمان منافقین و... را اگر در این تقسیم به حساب نیاوریم، از آن جهت است که هیچ عقلمندی حتی دنیا خواه مادی‌گرا نیز در دنائت این نوع احزاب و شیطانی بودن اهداف آنها کوچکترین تردیدی ندارد؛ همانگونه که عقل خداجوی متعهد به احکام الله نیز برای محکوم کردن احزاب و سازمانهایی که حکومت و ریاست بر مردم هدف غائی آنهاست و تشکیلات راهدف می‌دانند نه وسیله هیچگونه تردیدی به خود راه نمی‌دهند.

تفاوت میان دو طرز تفکر یاد شده این است که آن حزب یا سازمان یا جمعیتی که در تدارك تکاثر قدرت است و رسیدن به حکومت را هدف می‌داند، مردم را به خود دعوت می‌کند ولی آن دیگری که حکومت و قدرت را وسیله‌ای بیش نمی‌داند و هدفش چیزی جز پیاده کردن احکام الله نیست، مردم را به خدا دعوت می‌کند. بسیاری این تفاوت را از بسیاری فاصله میان نفس اماره آدمی و خدا می‌توان به دست آورد. صفت هر يك از این دو را نیز می‌توانید در کلام امام عزیزمان این عبد صالح خدا جستجو کنید که با بهره‌گیری از کتاب خدا قرآن کریم دسته اول را حزب الشیطان و دسته دوم را حزب الله لقب می‌دهند.

حزب جمهوری اسلامی که امروز نخستین کنگره خود را برگزار می‌کند براساس دعوت مردم به خدا و به منظور متحد و متشکل ساختن بندگان خدا و کسب توانائی کافی برای پیاده کردن احکام دین خدا تشکیل شده و تا امروز با تمام توان تلاش کرده‌است راهی را دنبال کند که به تحقق همین هدف می‌انجامد. چنین حزبی طبعاً برای بنیانگذاران و اعضا و هر کس که به نحوی با آن همکاری داشته باشد يك معبد است. یعنی همان گونه که مسجد جایگاه عبادت خدا و پایگاه خدمت به خلق خدا و مکان خلوص و اخلاص و کلاس آموختن و آموزش دادن ایثار و فداکاری و کرامت انسانی است، حزبی که هدفی جز تحقق احکام الله ندارد نیز طبعاً جایگاه عبادت خدا و پایگاه خدمت به خلق خدا و مکان و خلوص و اخلاص کلاس آموختن و آموزش دادن ایثار و فداکاری و کرامت انسانی است. شهید مظلوم آیت الله بهشتی اولین دبیرکل حزب جمهوری اسلامی به این مطلب اعتقاد قلبی داشت، آن را به زبان می‌آورد و می‌گفت:

«حزب، برای من يك معبد است» و عملاً به آن پای بند بود. این ویژگی را همه موسسین این حزب خدایی داشته و دارند و این چنین به حزب نگاه کردن اولین و مهمترین ویژگی لازم برای همه اعضا حزب جمهوری اسلامی است. حزب جمهوری اسلامی «معبد بهشتی» است. نه تنها «معبد بهشتی» که «مشهد بهشتی» نیز هست. او و دیگر یاران و همسنگران شهیدش جان خود را در سنگر این تشکیلات اسلامی فدای اسلام عزیز کردند تا به برکت خونهای پاکشان سلامت راه آینده حزب جمهوری اسلامی به عنوان تشکیلاتی که در خدمت اهداف مقدس روحانیت اصیل به رهبری امام خمینی و در اطاعت کامل از ولی فقیه قرار دارد تضمین شود. بر همین اساس، طبعاً نخستین کنگره حزب جمهوری اسلامی، آزمایش بزرگی است که شرکت کنندگان در این کنگره با آن روبرو هستند.

بهرتر آنکه این نکته را به همراه ویژگیهایی که نخستین کنگره باید داشته باشد از دبیرکل محترم حزب جمهوری اسلامی پیام‌وزیر آنگونه که در مقاله خود به مناسبت همین کنگره نوشته‌اند: «نخستین کنگره باید جهتش به سمت آن هدفهایی باشد که شهیدان انقلاب و شهیدان حزب همواره در آرزوی آن تلاش کردند و در راه آن به شهادت رسیدند... از سویی دیگر این کنگره باید مظهر خلوص و اخلاص حزب باشد. انتخاب بزرگی که در این کنگره انجام می‌گیرد باید بر مبنای ارزشهایی باشد که ظهور و ادامه انقلاب ما بدانها متکی بوده است. یعنی کسانی به رهبری حزب برگزیده شوند که از ایمان، اخلاص، انقلابیگری، کارایی و اندیشمندی برخوردار باشند. این ارزشها در نخستین نشستهایی که به مقدمات تشکیل حزب انجامید از سوی پایه گذاران این تشکل و به ویژه شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی مطرح شد و همواره باید در مد نظر باشد. شرکت کنندگان در کنگره حزب جمهوری اسلامی در معرض آزمایش بزرگی قرار دارند». امید و انتظار ما آن است که این آزمایش با موفقیت به انجام رسد و این گام موفق گامهای دیگری را در پی داشته باشد.

- 1- صحیفه نور، جلد 18، صفحه 250 - 254
- 2- حدید، 3
- 3- حدید، 4 و هو معکم این ما کنتم
- 4- نور، 35
- 5- منظور حضرت آیت الله خامنه‌ای، شهید مظلوم آیت الله دکتر بهشتی، آیت الله دکتر باهنر، آیت الله هاشمی رفسنجانی و آیت الله موسوی اردبیلی است که موسسین اولیه حزب جمهوری اسلامی بوده‌اند.
- 6- منظور بنی صدر و اطرافیان او و منافقین است. در آن زمان بنی صدر و اطرافیان او و منافقین یاران انقلاب اسلامی و پیروان صدیق خط امام را مورد شدیدترین تهاجمات تبلیغاتی و بعد تروریستی قرار می‌دادند.
- 7- حضرت آیت الله خامنه‌ای بعد از شهادت شهید رجایی، در انتخابات سومین دوره ریاست جمهوری با رای قاطع امت حزب الله به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران انتخاب شدند.
- 8- مائده، 97
- 9- اعراف، 29
- 10- حج، 29
- 11- نهج البلاغه - نامه 47، صفحه 321، ترجمه دکتر شهیدی
- 12- بقره، 147
- 13- قیامت، 16
- 14- فتح، 44
- 15- منافقون، 7
- 16- روم، 63
- 17- زیارت عاشورا
- 18- شعراء، 84 و اجعل لی لسان صدق فی الاخرین
- 19- مریم، 23
- 20- یس 1 تا 4
- 21- یوسف، 18
- 22- سوره محمد صلی الله علیه و آله و سلم، 35
- 23- ذاریات، 55
- 24- ص 45
- 25- ص 45
- 26- انعام، 79
- 27- انعام، 75
- 28- مائده، 64
- 29- بقره، 265
- 30- اعراف، 58
- 31- دانشمند و استاد شهید حجت الاسلام و المسلمین دکتر باهنر